[فصل دوم: ادبیات تحقیق 9](#_Toc402389981)

[1-2 مقدمه 9](#_Toc402389982)

[2-2-مبانی نظری 9](#_Toc402389983)

[1-2-2- گزارش مالی 10](#_Toc402389984)

[2-2-2 مفاهیم نظري گزارشگري مالی 11](#_Toc402389985)

[3-2-2 خصوصیات کیفی اطلاعات مالی 12](#_Toc402389986)

[4-2-2 اطلاعات و اطلاعات مالي 13](#_Toc402389987)

[3-2پیشینه موضوع و متغیرها 14](#_Toc402389988)

[1-3- 2 مبانی نظری ويژگيهاي كيفي اطلاعات مالي 14](#_Toc402389989)

[2-3-2 به موقع بودن صورت های مالی 20](#_Toc402389990)

[3-3-2 نسبت ارزش بازار به حقوق صاحبان سهام 22](#_Toc402389991)

[4-3-2نسبت نقدینگی 23](#_Toc402389992)

[5-3-2 مدیریت بدهی 25](#_Toc402389994)

[6-3-2 مدیریت دارایی 25](#_Toc402389995)

[7-3-2 نسبت سودآوری 26](#_Toc402389996)

[8-3-2 اهرم مالی 28](#_Toc402389997)

[9-3-2 اندازه شرکت 29](#_Toc402389998)

[4- 2 تحقیقات نظری 30](#_Toc402389999)

[5-2 پژوهش های پیشین 32](#_Toc402390000)

[1-5-2 تحقیقات خارجی 32](#_Toc402390001)

[2-5-2 تحقیقات داخلی 43](#_Toc402390002)

[3-5-2 خلاصه پژوهش های خارجی و داخلی 47](#_Toc402390003)

[6-2 مدل مفهومی تحقیق 53](#_Toc402390004)

#

# فصل دوم: ادبیات تحقیق

## 1-2 مقدمه :

 پاسخگويي كه خواستگاه آن احترام به حقوق انسانهاست، در سطوح مختلف ملي و بنگاههاي تجاري مطرح است. مديران در مقابل سرمايه گذاران،اعتبار دهندگان و ساير اشخاص ذينفع ، موظفند از طريق ارائه اطلاعات به موقع ، شفاف و قابل اعتماد ، آنها را در جريان نحوه بكارگيري منابع اقتصادي و نتايج عمليات واحد تجاري قرار داده و امكان تصميم گيري و قضاوت منطقي را براي آنها فراهم سازند(نیکخواه­آزاد، 1379). اتخاذ تصميمات معقول اقتصادي و تخصيص بهينه منابع محدود و كمياب به سوي فعاليت هاي برتر بدون وجود اطلاعات به موقع، معتبر و قابل اتكا ، امكان پذير نیست .

 بيانيه شماره 2 مفاهيم حسابداري هيأت استانداردهاي حسابداري مالي، بهنگام بودن اطلاعات را يكي از اركان مربو ط بودن اطلاعات مالي مي داند وآن را چنين تعريف می كند: "در دسترس بودن اطلاعات براي تصميم گيري قبل از اينكه تأثير گذاري آن بر تصميم ها از بين برود. (فاسترجورج[[1]](#footnote-1)،1986)

 به موقع بودن يكي از مهم ترين ويژگيهاي كيفي اطلاعات مالي محسوب مي شود به موقع بودن به اين مفهوم است كه اطلاعات بايد در كوتاه ترين زمان و به سريع ترين شكل ممكن در دسترس استفاده كنندگان قرارگيرد. هر چه فاصله زماني بين پايان سال مالي و تاريخ انتشار صورتهاي مالي واحدهاي تجاري كوتاه تر باشد، سودمندي حاصل از صورتهاي مالي حسابرسي شده سالانه واحدهاي تجاري افزايش می یابد . افزايش فاصله زماني بين پايان سال مالي و تاريخ انتشار صورتهاي مالي، احتمال فاش شدن اطلاعات به نفع گروهي از استفاده كنندگان و به زيان سايرين را افزايش مي دهد.

**2-2-مبانی نظری**

### 1-2-2- گزارش مالی

 صورت های مالی مجموعه ای است از صورت های مجزا و در عین حال مرتبط بایکدیگر که اساسا وضیعت مالی و نتایج عملیات یک واحد اقتصادی را نشان می دهد . گزارشهای مالی که بخش محوری آنرا صورت های مالی تشکیل می دهد ، محصول گزارشگری مالی و عمده ترین وسیله انتقال اطلاعات به خارج از واحد اقتصادی است.اما گزارشگری مالی منحصر به تهیه و ارائه صورت های مالی نیست بلکه سایر طرق ارائه وتفسیر اطلاعات را که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با اطلاعات مالی حاصل از پردازش اطلاعات توسط سیستم حسابداری ارتباط دارد در بر می گیرد .در گزارشهای مالی ، اطلاعاتی که بنابر الزامات قانونی یا عرف ، افشای آنها ضروری است و یا اطلاعاتی که مدیرت یک واحد اقتصادی آگاهی از آن را برای اشخاص ذیحق ، ذینفع و ذیعلاقه به امور آن واحد لازم می داند ، ارائه می شود . هر گزارشی که مشتمل بر صورت های مالی باشد یا بخش عمده آن را صورت های مالی تشکیل دهد یا متکی و منضم به صورت های مالی باشد ،گزارش مالی محسوب می شود(مفاهیم نظری گزارشگری مالی ،1390).

 صورتهاي‌ مالي‌ با مقاصد عمومي‌ براي‌ پاسخگويي‌ به‌ نيازهاي‌ استفاده‌كنندگاني‌ تهيه‌ مي‌شود كه‌ در موقعيت‌ دريافت‌ گزارشهاي‌ متناسب‌ با نيازهاي‌ اطلاعاتي‌ خاص‌ خود نيستند. صورتهاي‌ مالي‌ به طور جداگانه‌ يا همراه با ساير گزارشها، جهت‌ استفاده‌ عموم‌ ارائه‌ مي‌شود. با افزایش پیچیدگی های عملیات واحد تجاری و رشد جامعه های سرمایه گذاری، سرمایه گذاران خواسته های بیشتری برای اطلاعات مربوط تر و به موقع تر می خواهند. سودمندی گزارش های منتشر شده شرکت بستگی به دقت و به موقع بودن صورت مالی بستگی دارد. به موقع بودن به عنوان یکی از ویژگی های کیفی و یا ویژگی های اطلاعات مفید و یا افشای مربوطه شده برای اولین بار توسط انجمن حسابداری آمریکا در نظر گرفته شده است(AAA، 1954 و 1957).

### 2-2-2 مفاهیم نظري گزارشگري مالی

 یک شرکت باید در یک موقعیت باشد که بتواند صورت های مالی خود را به موقع ارائه کند. عوامل در حال اجرا مانند پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی و بیشتر مهلت های خاصی که با قانون و مقررات بسیاری ازحوزه قضایی سر کار دارد، دلیل کافی برای عدم گزارش به موقع صورت های مالی نیست.

 صورتهای مالی یک نماینده ساختاری از وضعیت مالی و عملکرد مالی واحد تجاری است. هدف از صورتهای مالی ارائه اطلاعات در مورد موقعیت مالی، عملکرد مالی و جریان های نقدی از یک واحد تجاری است که برای طیف گسترده ای از استفاده کنندگان در تصمیم گیری های اقتصادی مفید است. صورتهای مالی همچنین نتایج حاصل از نظارت مدیریت از منابع واگذار به آنها را نشان می دهد.

 چارچوب مفهومی گزارشگری مالی استاندارد حسابداری بنگاه در سطح جهان (به عنوان مثال هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) و بین المللی حسابداری استاندارد انجمن (IASB)) به هنگام بودن را به عنوان یکی از ویژگی های که ارتباط اطلاعات حسابداری راتعیین می کند، ،شناخته است. استفاده کنندگان نیاز به اطلاعات به موقع دارند تا بتوانند به سرعت به بررسی و تصمیم اینکه که آیا برای ارتکاب و یا ادامه به ارتکاب سرمایه خود در یک شرکت بگیرد.

 تاخیر در افشای اطلاعات به موقع در بخش تهیه منجر به ناکارآمدی بیشتر بازار شود.(اسماعیل و چندلر[[2]](#footnote-2)، 2004) سازمان تنظیم مقررات در سراسر جهان مجموعه قانونی از محدودیت حداکثر زمان که نیاز به صدور صورت های مالی حسابرسی شده به سهامداران و دیگر استفاده کنندگان خارجی در شرکت های دولتی تدوین کرده که نهادهای نظارتی را نگران کرده است.

 مفاهیم نظري گزارشگري مالی مجموعه اي از یک سیستم یکپارچه و منسجم از اهداف و مبانی مرتبط با یکدیگر است که ماهیت، عملکرد و قلمر و حسابداري و گزارشگري مالی را مشخص می کند و رهنمودي براي تدوین استانداردهاي حسابداري هماهنگ بشمار می آید. مفاهیم گزارشگري مالی، درك استفاده کنندگان مالی و اطمینان آنها به گزارشگري مالی را افزایش می دهد. (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ،1390).

###  3-2-2 خصوصیات کیفی اطلاعات مالی

 اغلب ما به طور تلویحی متکی به کیفیت اطلاعات حسابداری هستیم که در تصمیم گیری از آنها استفاده می کنیم.کمیته تدوین استاندارد های حسابداری مالی ،هدف اصلی گزارشگری مالی را ارائه اطلاعات مالی برای تصمیم گیری مفید اقتصادی و تجاری معرفی کرد بنابرای هدف های گزارشگری مالی و مبانی حسابداری ایجاب می کند؛اطلاعاتی که گزارشگری مالی فراهم می آورد از ویژگی های معینی برخوردار باشند تا در تصمیم گیری سرمایه گذاریان واعتباردهندگان فعلی و بالقوه وسایر استفاده کنندگان موثر واقع گردد ؛این ویژگی ها را به عنوان ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری می نامند.ویژگی های کیفی به خصوصیاتی اطلاق می شود که موجب می گردد اطلاعات ارائه شده در صورت های مالی برای استفاده کنندگان در راستای ارزیابی وضعیت مالی ،عملکرد مالی وانعطاف پذیری مالی واحد تجاری مفید واقع شود.(مفاهیم نظری گزارشگری مالی ،1390).

 برخورداری اطلاعات مالی از کلیه ویژگی های کیفی همواره برای تصمیم گیری های اقتصادی مفید است.اما نظر به اینکه ویژگی های مختلف وبه خصوص ،دو ویژگی مربوط بودن و قابل اتکا بودن غالبا بایکدیگر در تضاد هستند و تقویت یکی به بهای تضعیف دیگری تمام می شود،اطلاعات مالی نمی تواند به طور همزمان از کلیه کیفیت ها در سطح بالایی برخوردار باشد و به همین دلیل گروه های مختلف تصمیم گیرنده بر حسب نوع تصمیم گیری ،احراز ویژگی خاصی را در اولویت قرار می دهند( کندی [[3]](#footnote-3)و همکاران ،1995)

 خصوصیات کیفی به خصوصیاتی اطلاق می شود که موجب می گردد اطلاعات ارائه شده در صورت های مالی برای استفاده کنندگان در راستای ارزیابی وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری مفید واقع شود. برخی خصوصیات کیفی به محتوای اطلاعات مندرج در صورت های مالی و برخی دیگر به چگونگی ارائه این اطلاعات مربوط می شود.

 حسابداری به عنوان فرآيند تولید اطلاعات، بايد اطلاعات قابل اتکايي در اختيار کاربران قرار دهد تا آنان را نسبت به وضعيت مالي و عملکرد واحدتجاری کاملا آگاه و در نهايت بستر مناسبی را برای تصمیم گیری در اختیار آنان قرار دهد برای اينکه اطلاعات قابل اتکا باشند نیز بايد کامل بوده، بی طرفانه و محتاطانه و بیانی صادقانه و با رعايت رجحان محتوا بر شکل تهیه و ارائه شوند )اعتمادی و يارمحمدی، 1382)

###  4-2-2 اطلاعات و اطلاعات مالي

 معناي اطلاعات در هر سازمان،بسيار فراتراز چيزي است كه تصور مي شود. اطلاعات دادهاي است كه داراي شکل و ساختاربوده و سازمان يافته مي باشد و متضمن انتقال و دريافت آگاهي و دانش است. اطلاعات گزينه هاي جديد را آشكار می سازد يا موجب حذف گزينه نامربوط و ضعيف می گردد و سرانجام افراد را تحت تأثير قرار می دهد و آنها را برمي انگيزاند.اطلاعات شاملداده ها، تصاوير، اسناد و متون هستند كه غالباً به نحوي پيچيده و در هم تنيده شد ه اند، اما در بافتي با معني و سازمان يافته جاي دارند. اصطلاح "داده ها"معمولاً به معناي اجزاي تشكيل دهنده اطلاعات به كارمی رود. با اين همه به خاطر داشتن يك نكته داراي اهميت است كه اطلاعات معنايي به مراتب وسیعتر ارقام دارد )غلامزاده و فتحي، 1377).

 اطلاعات عبارت است از داد ه پردازش شده اي كه گيرنده پيام آن را تفسير و درك كند. بايد توجه داشت كه شخصي كه اطلاعات را می فرستد، آن را تغيير شكل مي دهد،از آنجا كه فرآيند تفكر و فهم افراد متفاوت است، لذا پيام مي تواند معاني مختلفي داشته باشد. براي تبديل داد هها به اطلاعات، بايد داده ها تحليل،خلاصه يا پردازش شوند. تعريف كاملي از اطلاعات چنين است كه اطلاعات، داده ها پردازش شده اي هستند كه منجر به تغيير، رفتار انسان مي شوند )ثاقب تهراني و تدين، 1384)

 اطلاعات مالي مهمترين نوع اطلاعاتی است كه در تصميم گيري هاي اقتصادي مؤثر است، همچنين مهمترين نوع اطلاعاتي است كه تصميم گيرندگان مختلف نسبت به يك مؤسسه يا سازمان به آن احتياج دارند. اگر اطلاعات مربوط به معاملات و عمليات مالي يك مؤسسه يا سازمان را فهرست كنيم، به قدري مفصل و طويل خواهد شد كه هيچ فايدهاي براي تصميم گيريهاي مختلف نخواهد داشت. بنابراين، الزم است كه اطلاعات مربوط به مؤسسات و سازمان ها به نحوي فراهم شود كه براي تصميم گيري هاي مختلف مفيد و قابل استفاده و در انجام دادن و كنترل عمليات مؤثر باشد(عليمددوملك آراني، 1374 ).

## 3-2پیشینه موضوع و متغیرها

### 1-3- 2 مبانی نظری ويژگيهاي كيفي اطلاعات مالي

 حسابداری یک سیستم اطلاعاتی است که وظیفه و رسالت اصلی آن جمع­آوری و تبادل اطلاعاتی است که بتواند در تصمیم­گیری به استفاده­کنندگان از صورت­های مالی کمک نماید. کیفیت و محتوای اطلاعات تهیه شده توسط این سیستم در برقراری ارتباط با استفاده­کنندگان از اهمیت و نقش بسزایی برخوردار است، به­گونه­ای که در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، ویژگی­های کیفی مشخصی جهت سودمندی اطلاعات ارائه شده است. بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، ویژگی­های کیفی اطلاعات، ویژگی­هایی هستند که موجب سودمندی اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی برای استفاده­کنندگان در راستای ارزیابی وضعیت مالی، عملکرد مالی، و انعطاف­پذیری واحد تجاری می­شود (کمیته تدوین استاندارد ها،1390). برخی ویژگی­های کیفی به محتوای اطلاعات و برخی دیگر به چگونگی ارائه این اطلاعات مربوط می­شود. مربوط‌بودن و قابلیت اتکا، ویژگی­های کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات محسوب می­شوند (خواجوی ،1387). اطلاعاتی مربوط تلقی می­شود که بر تصمیمات اقتصادی استفاده­کنندگان در ارزیابی رویداد­های گذشته، حال یا آینده یا تأیید یا تصحیح ارزیابی­های گذشته آن­ها مؤثر واقع شود. مربوط بودن یک پدیده نسبی است و باید به فرد این امکان را بدهد که تصمیمی متفاوت اتخاذ کند. اطلاعاتی قابل اتکا است که عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت باشد و به­طور صادقانه بیانگر چیزی باشد که مدعی بیان آن است یا به­گونه­ای معقول انتظار می­رود بیان کند (کمیته تدوین استاندارد ها،1390). حال آنکه وجود قضاوت­های گوناگون، برآورد­ها، تأثیر وقایع آتی، محدودیت زمانی و هزینه تهیه اطلاعات عواملی هستند که وجود مطلق تمام ویژگی­های کیفی را بسیار مشکل می­کند. به عبارت دیگر، به ندرت می­توان اطلاعاتی تهیه کرد که کاملاً مربوط و قابل اتکا باشد (خواجوی ،1387).

 در چارچوب مفاهیم نظری گزارشگری مالی، "موازنه بین ویژگی­های کیفی" و "به­موقع بودن"، به عنوان محدودیت­هایی ذکر شده است که مانع از دستیابی همزمان به تمام ویژگی­های کیفی در یک نقطه از زمان می‌شود. بدین صورت که، گاهی اوقات دستیابی به برخی ویژگی­های کیفی، مستلزم فدا کردن ویژگی کیفی دیگری است. برای مثال، تلاش برای ارائه اطلاعات قابل­­اتکا­تر، ممکن است از میزان مربوط­بودن اطلاعات بکاهد. بنابراین به‌منظور پاسخگويي‌به‌اهداف‌صورت­هاي‌مالي،‌که عبارت است از ارائـه‌اطلاعاتي‌تلخيص‌و طبقه‌بندي‌شده‌درباره‌وضعيت‌مالي‌، عملكرد مالي‌و انعطاف‌پذيري‌مالي‌واحد تجاري‌ به گونه­ای كه‌براي‌طيفي‌گسترده‌از استفاده‌كنندگان‌صورت­هاي‌مالي‌در اتخاذ تصميمات‌اقتصادي‌مفيد واقع‌گردد، دستيابي‌به‌نوعي‌توازن‌بين‌انواع‌ویژگی­ها‌ضرورت دارد، این در حالی است که اهميت‌نسبي‌ویژگی­هاي‌كيفي‌در موارد مختلف،‌امري‌قضاوتي‌است (کمیته تدوین استاندارد ها،1390). از طرف دیگر، داده­های حسابداری از نظر زمانی تاریخ انقضا دارد و چنانچه به­موقع ارئه نشود، ارزش اطلاعاتی خود را از دست می­دهد و نامربوط می­شود (بزرگ اصل،1388). اگر اطلاعات به­موقع نباشند، نمی­توانند مربوط باشند. به عبارت دیگر، اطلاعات پیش از اینکه توان خود را جهت اثرگذاری بر تصمیمات از دست بدهد، بایستی در دسترس تصمیم‌گیرنده قرار بگیرد. به­موقع­بودن اطلاعات نمی­تواند ویژگی مربوط بودن را تضمین کند، اما برای مربوط بودن، اطلاعات بایستی حتماً به­موقع باشند. بنابراین به­موقع بودن یکی از محدودیت‌های انتشار صورت­های مالی است. جمع­آوری، خلاصه­کردن و انتشار اطلاعات حسابداری باید دارای سرعت لازم باشد به­گونه­ای که در زمان لازم در دسترس استفاده­کنندگان قرار بگیرد. از طرف دیگر به­موقع بودن به این معنی است که باید صورت­های مالی را در زمان­های مشخص و به‌طور مرتب ارائه کرد تا تغییرات انجام شده در وضع شرکت را به آگاهی دیگران رسانید تا اطلاعات جدید بتواند در پیش­بینی­ها و تصمیمات استفاده­کنندگان مؤثر واقع شود (هندریکسون[[4]](#footnote-4)،1992) به منظور ارائه به­موقع اطلاعات، ممکن است قبل از مشخص شدن همه جنبه­های یک معامله یا رویداد، اطلاعات موجود گزارش شود که منجر به کاهش قابلیت اتکای اطلاعات خواهد شد. به عکس، هر گاه برای مشخص شدن تمام جنبه­های مزبور، گزارشگری با تأخیر انجام گردد، اطلاعات ممکن است کاملاً قابل اتکا شود، لیکن برای استفاده­کنندگانی که باید طی این مدت تصمیماتی اتخاذ کنند، بی فایده است (بزرگ اصل،1388). بنابراین، لازم است مدیریت که مسئولیت تهیه و ارائه صورت‌های مالی را به عهده دارد، نوعی موازنه بین مزیت‌های نسبی "گزارشگری به­موقع" و "ارائه اطلاعات قابل اتکا" برقرار کند (خواجوی ،1387).

 ويژگي هاي مرتبط با اطلاعات مالي، به دو دسته محتواي اطلاعات مالي و ارايه اطلاعات مالي تقسيم مي شوند. ويژگي هاي كيفي مرتبط با محتواي اطلاعات مالي عبارتست از:

 **مربوط[[5]](#footnote-5) بودن:** اطلاعاتي "مربوط"تلقي مي شود كه بر تصميمات اقتصادي استفاده كنندگان جهت ا رزيابي رويدادهاي گذشته، حال )يعني برخالص جريانهاي نقدي خالص(، آينده )يعني ارزش پيش بيني( تأييد يا اصلاح ارزيابي هاي گذشته آنها )يعني ارزش تأييدكنندگي( مؤثر واقع شود. به طور كلي، اطلاعاتي مربوط تلقي ميشود كه: 1) ارزش پيش بيني داشته باشد اطلاعات مالي در صورتي داراي ارزش پيش بيني است كه استفاده كننده بتواند با توجه به نتايج و رويدادهاي گذشته، حال و آينده را پيشبيني كند. 2)ارزش بازخور داشته باشد به استفاده كنندگان كمك كند تا بتوانند ارزيابي قبلي خودشان نسبت به صورت های مالي را تأييد يا اصلاح كنند.

3) **به موقع[[6]](#footnote-6) باشد**، اطلاعات حسابداري قبل از اينکه ارزش خود را از دست بدهند، جهت كنترل عمليات بايد به موقع در دسترس استفاده كنندگان قرار گيرند. ميزان مربوط بودن اطلاعات مالي بين استفاده كنندگان داراي درجات متفاوت ميباشد، زيرا با توجه به نياز استفاده كنندگان اطلاعات مالي و خواست هاي آنان به موضوع خاص بستگي دارد." اطلاعات مربوط" به افراد ذينفع كمك مي كند تا رويدادهاي مالي گذشته، حال و آينده را مورد ارزيابي قرار دهند و انتظارات آنان رادر مورد رويدادهاي آتي ، تأييد يا انتظارات قبلي را تغيير دهد )همتي، 1385) **.**

 **قابل اتكا[[7]](#footnote-7) بودن:** قابليت اتکا، نوعي ويژگي كيفي است كه چنانچه افرادي واجد شرايط با صلاحيت مشابه به صورت مستقل، از همان فرآيند اندازهگيري تبعيت كنند، به نتايج يکسان و مشابهي دست يابند. به عبارت ديگر، اطلاعاتي قابل اتکاست كه عاري از اشتباه و تمايلات جانبدارانه با اهميت باشد و به طور صادقانه معرف آن چيزي باشد كه بيان كننده آناست يا به گونه اي معقول انتظار مي رود كه بيان كند.

 **قابل مقايسه[[8]](#footnote-8) بودن:** قابل مقايسه بودن، يعني اينکه استفاده كنندگان از اطلاعات مالي بايد بتوانند بر پايه اطلاعات، شباهت ها و تفاوت هاي موجود در يك پديده اقتصادي را شناسايي كنند. معمولاً اطلاعات مالي به دو شکل زير مقايسه ميشوند

1) مقايسه اطلاعات مالي يك واحد تجاري با اطلاعات مشابه سال هاي قبل آن، به منظور تشخيص روند تغييرات دروضعيت مالي، عملکرد مالي و انعطاف پذيري مالي آن. **ك** **ككك**2) مقايسه اطلاعات مالي يك واحد تجاري با واحدهاي تجاري ديگر، به منظور ارزيابي وضعيت مالي، عملکرد مالي و انعطاف پذيري مالي آن در مقايسه با واحدهاي تجاري ديگر.**ك**شرايط لازم براي قابل مقايسه بودن عبارتند از: **ثبات رويه** ، يعني اينکه حسابداري رويدادهاي مشابه در هر دوره مالي و از يك دوره به دوره بعد با روش يکسان صورت مي گيرد. البته بايد توجه داشت كه ثبات رويه بدين معنا نيست كه يك واحد تجاري هرگز نمي تواند رويه هاي**ك**حسابداري خود را تغيير دهد، بلکه چنانچه رويه هاي حسابداري مورد استفاده با خصوصيات كيفي"مربوط بودن" و"قابل اتکابودن" سازگار نباشد و يا در صورت وجود رويه هاي "مربوط تر" و "قابل اتکاتر"، واحد تجاري مي تواند رويه هاي حسابداري مورد عمل خود را تغيير دهد. **همساني رويه ها**، يعني اين كه رويه هاي حسابداري به كار گرفته شده توسط واحدهاي تجاري مختلف براي رويدادهاي مشابه يکسان باشد.  ا**فشا[[9]](#footnote-9)**، يعني اينکه رويه هاي حسابداري به كار رفته درتهيه صورتهاي مالي و همچنين هرگونه تغييرات در آن رويه ها و آثار چنين تغييراتي بايد افشا شود (فرسادوتیرانداز،1390).

 **قابل فهم[[10]](#footnote-10) بودن:** چنانچه اطلاعات ارايه شده،كيفيت هاي"مربوط بودن" و "قابل اتکا بودن" را داشته باشد، اما غيرقابل فهم باشد، استفاده كننده نمي تواند از آنها در تصميم گيري هاي خود استفاده نمايد. منظور از قابل فهم بودن آن است كه اطلاعات مندرج در صورتهاي مالي، بايد به آساني براي استفاده كنندگان قابل درك باشد. عوامل مؤثربر قابل فهم بودن عبارتند از:

 **توان استفاده كنندگان**، اطلاعات مالي عموماَ براساس اين فرضيه تهيه مي شوند كه استفاده كنندگان آگاهي معقولي از فعاليت هاي تجاري و اقتصادي دارند و از دانش متعارفي درباره حسابداري برخوردارند و با صرف تلاش معقول، مايل به مطالعه و بررسي اطلاعات هستند.

 **ادغام و طبقه بندي اطلاعات**،برای تسهيل تجزيه و تحليل اطلاعات مالي،باید اقلام با خصوصيات مشابه به نحوي مناسب با يک ديگرادغام و طبقه بندي شوند.

 **اهمیت[[11]](#footnote-11)**

 اهمیت یک کیفیت آستانه اي (حد و مرز) است. اهمیت به جاي اینکه یک خصوصیت کیفی اصلی لازم براي اطلاعات حسابدار ي باشد یک نقطه انقطاع است و باید قبل از سایر خصوصیات کیفی اطلاعات مورد توجه قرار گیرد . اگر اطلاعات با اهمیت نباشد نیازي به بررسی از جهت مربوط بودن و قابل اتکا بودن آن­ها نیست(کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ،1390).

شکل1-2رابطه بین خصوصیات کیفی در شکل زیر نمایش داده شده است.(همتی ،85)

رابطه بین خصوصیات کیفی اطلاعات مالی

**اهمیت**

**قابل اتکا بودن**

**مربوط بودن**

**انتخاب خاصه**

**ارزش تاییدکنندگی وپیش بینی کنندگی**

**کامل بودن**

**احتیاط**

**بی طرفی**

**بیان صادقانه**

ملاحظات منفعت وهزینه

به موقع بودن

موازنه بین خصوصیات کیفی

قابل فهم بودن

ادغام وطبقه بندی

میزان توان استفاده کننده

افشای مناسب مثل:رویه حسابداری وارقام مقایسه ای

ثبات رویه

قابل مقایسه بودن

**اطلاعاتی که حائزاهمیت نیست نمی تواند مفید باشد کیفیت آستانه ای**

 نوعی موازنه لازم است

 **اطلاعاتی که عاری ازاشتباه وتمایلات جانبدارانه باشد اطلاعاتی که بر تصمیم گیریها تاثیر گذارد**

### 2-3-2 به موقع بودن صورت های مالی

گزارشگری به موقع تابعی ازعوامل مرتبط به حسابرسی و ویژگی های شرکت می باشد.عوامل مربوط به حسابرسی آنها هستند که احتمالا در اجرای وظایف حسابرسی دخالت داشته ومانع از صدور گزارش به موقع حسابرسی می گردند.(سرهنگی ،1380)

به موقع بودن يكي از مهمترين ويژگيهاي كيفي اطلاعات مالي محسوب مي شود به موقع بودن به اين مفهوم است كه اطلاعات بايد در كوتاه ترين زمان و به سريع ترين شكل ممكن در دسترس استفاده كنندگان قرارگيرد. هر چه فاصله زماني بين پايان سال مالي و تاريخ انتشار صورتهاي مالي واحدهاي تجاري كوتاه تر باشد، سودمندي حاصل از صورتهاي مالي حسابرسي شده سالانه واحدهاي تجاري افزايش می یابد . افزايش فاصله زماني بين پايان سال مالي و تاريخ انتشار صورتهاي مالي، احتمال فاش شدن اطلاعات به نفع گروهي از استفاده كنندگان و به زيان سايرين را افزايش مي دهد. صورت هاي مالي كه نتيجه سيستم اطلاعاتي حسابداري است، چيزي جز يك كالا نيست. علت وجود حسابداري تقاضاي موجود براي اطلاعات مالي است و افزون بر اين، حسابداران و واحد تجاري نيز است توانايي و علاقه لازم را براي ارائه اين اطلاعات دارند(بلکویی ریاحی[[12]](#footnote-12) ،1381).. پس مفاهيمي نظير كيفيت كه براي كالاها و خدمات ارائه شده توسط شركت ها و واحدهاي اقتصادي مطرح شده است، براي خدمات حسابداري،از جمله محصول نهايي آن؛ يعني گزارش هاي مالي نيز قابل بحث و پيگيري است. كيفيت گزارشگري مالي، ضوابطي است كه اطلاعات مفيد و سودمند را از ساير اطلاعات منفك كرده، سودمندي اطلاعات را افزايش مي دهد(نوروش ،1377).

هرچه تاریخ گزارش حسابرسی به تاریخ پایان سال مالی نزدیکتر باشد،گزارش حسابرسی به موقع تری ارائه شده است.در نتیه مدت زمان ارائه گزارش حسابرسی در تحقیق مزبور فاصله زمانی بین تاریخ سال مالی در شرکت ،تا تاریخ گزارش حسابرسی در نظر گرفته می شود.

به­موقع بودن گزارش هاي مالي، يكي از مهمترين اركان كيفيت ارائه اطلاعات مالي شركت هاست، چرا كه بهنگام بودن اطلاعات است كه مي تواند به استفاده بهتر و مفيدتر استفاده كنندگان اطلاعاتي منجر بشود كه محصول نهايي سيستم حسابداري مخابره مي كند. بنابراين، سرعت گزارشگري به دليل استفاده به موقع تر اطلاعات در اتخاذ تصميم هاي اقتصادي توسط سرمايه گذاران،مي تواند به شفافيت بيشتر اطلاعات مالي شركت ها و به تبع آن، شفافيت بالاتر بازار سرمايه منجر شود كه اين موضوع به نوبه خود مي تواند تأثير بسزايي بر جذابيت بازارهاي مالي و سرمايه داشته باشد. از آنجا كه گزارش هاي مالي، ابزاري براي افشاي اطلاعات مالي قابل اعتماد و قابل اتكاست كه در دسترس عموم قرار مي گيرد، در صورت بهنگام بودن مي تواند از طريق كاهش اطلاعات خصوصي ومحرمانه باعث كاهش احتمال انتخاب نادرست توسط سرمايه گذاران شود. بنابراين، مي توان چنين پنداشت كه ارائه اطلاعات بموق عتر باعث كاهش عدم تقارن اطلاعاتي ميان سرمايه گذاران خواهد شد. افزون بر اين، ميان كيفيت گزارشگري مالي و کارآيي سرمايه گذاري رابطه منطقي وجود دارد. اين رابطه بدين صورت است كه شركت هاي داراي كيفيت گزارشگري بالاتر در مواجهه با پيامدهاي كلان اقتصادي داراي حساسيت كمتري هستند. اين موضوع بيان مي كند كه ميان ساز و كار گزارشگري و كارآيي سرمايه گذاري ارتباط وجود دارد و وجود كيفيت گزارشگري بالا به كاهش خطر اخلاقي و انتخاب نادرست منجر خواهد شد(بیدل [[13]](#footnote-13)و همکاران ،2009). با توجه به اینکه در تحقیقات گذشته به موضوع تأخير زماني گزارشگري و عوامل مؤثر بر آن توجه شده است. بنابراين، در پژوهش حاضر سعي بر آن است كه به تعیین وارزایابی مهم ترین عامل در به موقع گزارشگري مالي در طي سال هاي مالي اخير پرداخته شود.

 هرگاه تأخیری نابجا در گزارش اطلاعات رخ دهد، اطلاعات ممکن است خصوصیات مربوط بودن خود را از دست بدهد. ممکن است لازم شود که مدیریت نوعی موازنه بین مزیت های نسبی "گزارشگری به موقع" و "ارائه اطلاعات قابل اتکا" برقرار کند. برای ارائه به موقع اطلاعات، اغلب ممکن است لازم شود قبل از مشخص شدن همه جنبه های یک معامله یا رویداد، اطلاعات موجود گزارش شود که این از قابلیت اتکای آن می کاهد. به عکس، هرگاه به منظور مشخص شدن همه جنبه های مزبور، گزارشگری با تأخیر انجام گردد، اطلاعات ممکن است کاملاً قابل اتکا شود، لیکن برای استفاده کنندگانی که باید طی این مدت تصمیماتی اتخاذ کنند بی فایده شود.

 برای نیل به موازنه بین خصوصیات مربوط بودن و قابل اتکا بودن، با توجه به الزامات قانونی در مورد زمان ارائه اطلاعات، مهم ترین موضوعی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که چگونه به بهترین وجه به نیازهای تصمیم گیری اقتصادی استفاده کنندگان پاسخ داده شود.

### 3-3-2 نسبت ارزش بازار به حقوق صاحبان سهام

**نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام[[14]](#footnote-14)**

 ﻧﺴﺒﺖ ﻗﻴﻤﺖ ﺑﻪ ارزش دﻓﺘﺮي(P/B) ﻳﺎ ﺣﺎﺻﻞ ﺗﻘﺴﻴﻢ ﻗﻴﻤﺖ ﺳﻬﺎم ﺑﺮ ارزش دﻓﺘﺮي ﻫﺮ ﺳﻬﻢ ﻣﻌﻴﺎر ﺟﺪﻳﺪي ﺑﻪ دﺳﺖ ﻣﻲ دﻫﺪ ﻛﻪ ﺑﺮ اﺳﺎس آن ﻣﻲ ﺗﻮان درﻳﺎﻓﺖ ﺳﻬﺎم ﭼﻨﺪ ﺑﺮاﺑﺮ ارزش دﻓﺘﺮي آن ﻣﻮرد ﻣﻌﺎﻣﻠﻪ ﻗﺮار ﻣﻲ ﮔﻴﺮد . در ﺑﻮرس ﻫﺮ ﮔﺎه وﺿﻌﻴﺖ ﻛﻞ اﻗﺘﺼﺎد ﺑﻪ ﺧﺎﻃﺮ ﺑﺤﺮان ﻫﺎي ﻣﺨﺘﻠﻒ ﺳﻴﺎﺳﻲ و ﻏﻴﺮه ، ﻧﺎﻣﻄﻠﻮب ﻣﻲ ﮔﺮدد و ارزش ﺳﻬﺎم دﭼﺎر ﻧﺰول ﻣﻲ ﺷﻮد، ﺳﻬﺎم ﺑﺴﻴﺎري از ﺷﺮﻛﺖ ﻫﺎ ﺗﻘﺮﻳﺒﺎً ﺑﺮاﺑﺮ ﺑﺎ ارزش دﻓﺘﺮي آﻧﻬﺎ ﻣﻌﺎﻣﻠﻪ ﻣﻲ ﺷﻮﻧﺪ. در اﻳﻦ ﻣﻮاﻗﻊ اﻓﺮاد ﻫﻮﺷﻤﻨﺪ اﻗﺪام ﺑﻪ ﺟﻤﻊ آوري ﺳﻬﺎم ﻣﻲ ﻧﻤﺎﻳﻨﺪ. ﻟﺬا اﻳﻦ ﻧﺴﺒﺖ در ﺑﺴﻴﺎري از ﻣﻮاﻗﻊ ﻣﻲ ﺗﻮاﻧﺪ ﻣﺤﻚ ﻣﻨﺎﺳﺒﻲ ﺑﺮاي اﻗﺪام ﺑﻪ ﺳﺮﻣﺎﻳﻪ ﮔﺬاري ﺗﻠﻘﻲ ﮔﺮدد.در ﺑﺴﻴﺎري از ﻣﻮاﻗﻊ ﻣﺜﻼً ﻫﻨﮕﺎﻣﻲ ﻛﻪ ﺷﺮﻛﺖ ﻫﺎ زﻳﺎن دارﻧﺪ ﻧﻤﻲ ﺗﻮان ﻋﻤﻠﻜﺮد آﻧﻬﺎ را ﺑﺎ ﻧﺴﺒﺖ ﻗﻴﻤﺖ ﺑﻪ درآﻣﺪ(P/E) ﻫﺮ ﺳﻬﻢ ﺳﻨﺠﻴﺪ، در اﻳﻦ ﺷﺮاﻳﻂ ﻧﺴﺒﺖ ارزش ﺑﺎزار ﺑﻪ ارزش دﻓﺘﺮي ﺳﻬﺎم ﻣﻌﻴﺎر ﻣﻨﺎﺳﺒﻲ ﺑﺮاي ﺳﻨﺠﺶ ﻋﻤﻠﻜﺮد و ﻫﻤﭽﻨﻴﻦ ارزش اﻳﺠﺎد ﺷﺪه ﺑﺮاي ﺳﻬﺎﻣﺪار را ﻧﺸﺎن ﻣﻲ دﻫﺪ . ﻃﺒﻖ ﺗﺤﻘﻴﻘﺎﺗﻲ ﻛﻪ ﻓﺎﻣﺎ و ﻓﺮﻧﭻ اﻧﺠﺎم داده اﻧﺪ اﻳﻦ ﻣﻌﻴﺎر، ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ﺳﺎﻳﺮ ﻣﺘﻐﻴﺮﻫﺎي ﻣﺎﻟﻲ ﻣﻌﻴﺎري ﺑﺎ ﺛﺒﺎت ﺗﺮ و ﻗﺎﺑﻞ اﺗﻜﺎﺗﺮ ﻣﻲ ﺑﺎﺷﺪ .

#### 1-3-3-2 ﺿﺮﻳﺐ ﻗﻴﻤﺖ ﺑﻪ ارزش دﻓﺘﺮي (P/B) ﻧﺴﺒﺖ ﻗﻴﻤﺖ ﺑﻪ ارزش دﻓﺘﺮي ﻳﺎ ﺣﺎﺻﻞ ﺗﻘﺴﻴﻢ ﻗﻴﻤﺖ ﺳﻬﺎم ﺑﺮ ارزش دﻓﺘﺮي ﻫﺮ ﺳﻬﻢ ﻣﻌﻴﺎر ﺟﺪﻳﺪي ﺑﻪ دﺳﺖ ﻣﻲ دﻫﺪ ﻛﻪ ﺑﺮ اﺳﺎس آن ﻣﻲ ﺗﻮان درﻳﺎﻓﺖ ﺳﻬﺎم ﭼﻨﺪ ﺑﺮاﺑﺮ ارزش دﻓﺘﺮي آن ﻣﻮرد ﻣﻌﺎﻣﻠﻪ ﻗﺮار ﻣﻲ ﮔﻴﺮد . در ﺑﻮرس ﻫﺮ ﮔﺎه وﺿﻌﻴﺖ ﻛﻞ اﻗﺘﺼﺎد ﺑﻪ ﺧﺎﻃﺮ ﺑﺤﺮان ﻫﺎي ﻣﺨﺘﻠﻒ ﺳﻴﺎﺳﻲ و ﻏﻴﺮه ﻧﺎﻣﻄﻠﻮب ﻣﻲ ﮔﺮدد و ارزش ﺳﻬﺎم دﭼﺎر ﻧﺰول ﻣﻲ ﺷﻮد. ﺳﻬﺎم ﺑﺴﻴﺎري از ﺷﺮﻛﺖ ﻫﺎ ﺗﻘﺮﻳﺒﺎ ﺑﺮاﺑﺮ ﺑﺎ ارزش دﻓﺘﺮي آﻧﻬﺎ ﻣﻌﺎﻣﻠﻪ ﻣﻲ ﺷﻮﻧﺪ. در اﻳﻦ ﻣﻮاﻗﻊ اﻓﺮاد ﻫﻮﺷﻤﻨﺪ اﻗﺪام ﺑﻪ ﺟﻤﻊ آوري ﺳﻬﺎم ﻣﻲ ﻧﻤﺎﻳﻨﺪ. ﻟﺬا اﻳﻦ ﻧﺴﺒﺖ در ﺑﺴﻴﺎري از ﻣﻮاﻗﻊ ﻣﻲ ﺗﻮاﻧﺪ ﻣﺤﻚ ﻣﻨﺎﺳﺒﻲ ﺑﺮاي اﻗﺪام ﺑﻪ ﺳﺮﻣﺎﻳﻪ ﮔﺬاري ﺗﻠﻘﻲ ﮔﺮدد (ﺳﻴﺪ ﺟﻌﻔﺮ ﺳﺠﺎدي، 1385 ). ﻧﺴﺒﺖ ﻗﻴﻤﺖ ﺑﻪ ارزش دﻓﺘﺮي ﻳﻜﻲ از ﻧﺴﺒﺖ ﻫﺎي ﻣﺎﻟﻲ ﺑﻮده ﻛﻪ ﺑﺮاي ﺳﻨﺠﺶ ﻗﻴﻤﺖ ﺑﺎزار ﺷﺮﻛﺖ ﻣﻮرد اﺳﺘﻔﺎده ﻗﺮار ﻣﻲ ﮔﻴﺮد.اﻳﻦ ﻧﺴﺒﺖ ﻣﻌﻴﺎري ﺟﻬﺖ ﺳﻨﺠﺶ ارزش اﻳﺠﺎد ﺷﺪه ﺑﺮاي ﺳﻬﺎﻣﺪار ﻧﻴﺰ ﻣﺤﺴﻮب ﻣﻲ ﮔﺮدد (ﺗﺎرك اﺑﺮاﻫﻴﻢ[[15]](#footnote-15)، 2009 ). این نسبت ﻛﻪ از ﻧﺴﺒﺖ ﻫﺎي واﺑﺴﺘﻪ ﺑﻪ ارزش ﺑﺎزار ﻣﻲ ﺑﺎﺷﺪ از ﺣﺎﺻﻞ ﺗﻘﺴﻴﻢ ﻗﻴﻤﺖ ﺑﺎزار ﺳﻬﺎم ﺑﻪ ارزش دﻓﺘﺮي ﺳﻬﺎم ﺑﻪ دﺳﺖ ﻣﻲ آﻳﺪ(ﻣﺤﺴﻦ دﺳﺘﮕﻴﺮ،1381).

#### 2-3-3-2 ارزش ﺑﺎزار(P) و ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﺆﺛﺮ ﺑﺮآن ارزش ﺑﺎزار ﻳﻚ داراﻳﻲ ﻣﻤﻜﻦ اﺳﺖ ﺑﻴﺸﺘﺮ ﻳﺎ ﻛﻤﺘﺮ از ارزش دﻓﺘﺮي ﻫﻤﺎن داراﻳﻲ را دارا ﺑﺎﺷﺪ.ارزش ﺑﺎزارﻳﻚ داراﻳﻲ ﺑﺮاﺑﺮ اﺳﺖ ﺑﺎ ارزش دﻓﺘﺮي و ﻳﺎ ارزش در ﺣﺎل ﻛﺎر داراﻳﻲ ﻫﺮ ﻛﺪام ﻛﻪ ﺑﻴﺸﺘﺮ اﺳﺖ . ﻗﻴﻤﺖ ﻫﺮ روز ﻳﻚ ﺳﻬﻢ از دو ﭘﺎراﻣﺘﺮ ﺑﺴﻴﺎر ﺑﺎ اﻫﻤﻴﺖ و ﻗﺪرﺗﻤﻨﺪ ﻣﻨﺎﻓﻊ آﺗﻲ و ﻗﺪرت رﺷﺪ ﻗﻴﻤﺖ ﺳﻬﻢ در آﻳﻨﺪه را در ﺧﻮد ﻣﺴﺘﺘﺮ دارد ﻛﻪ از ﻃﺮﻳﻖ ﻓﺮﻣﻮل زﻳﺮ ﻗﺎﺑﻞ ﻣﺤﺎﺳﺒﻪ و اﺛﺒﺎت ﺧﻮاﻫﺪ ﺑﻮد .

$$p\_{0=\frac{DPs}{1+k}+\frac{D(1+g)}{(1+k)}}$$

ﻛﻪ در اﻳﻦ ﻓﺮﻣﻮل K ﺑﺮاﺑﺮ ﻧﺮخ ﺑﺮﮔﺸﺖ ﺳﺮﻣﺎﻳﻪ ﻣﻲ ﺑﺎﺷﺪ ﻛﻪ ﺧﻮد از دو ﺟﺰ ء ﻧﺴﺒﺖ ﺳﻮد ﻧﻘﺪي ﺑﻪ ﻗﻴﻤﺖ و ﻗﺎﺑﻠﻴﺖ رﺷﺪ ﺳﻬﻢ ﺑﻪ ﻗﻴﻤﺖ ﭘﺎﻳﻪ ﺗﺸﻜﻴﻞ ﮔﺮدﻳﺪه است(مریدی پور وهمکاران،1388)

### 4-3-2نسبت نقدینگی

 اعتباردهندگان و طلبکاران کوتاه مدت نظیر فروشندگان وعرضه کنندگان علاقمند هستند که نقدینگی[[16]](#footnote-16) واحد تجاری بالا باشد.مدیریت وسهامداران نیز به نسبت های نقدینگی توجه دارند.زیرا از یک طرف توانایی پرداختن تعهدات کوتاه مدت ،باعث می شودکه اعتبار واحد انتفاعی کاهش یابد ودر آینده هزینه های تامین منابع مالی ودرافت اعتبار را افزایش می دهدواز طرف دیگر علاقه مند هستند که از راکد نگه داشتن وجه نقد ودارایی های جاری خودداری ورزند،چون این امر در بلندمت به نفع واحد انتفاعی نیست.

 نسبت های نقدینگی به توانایی شرکت در بازپرداخت تعهدات مالی کوتاه مدت آتی اشاره دارند. این نسبت ها تعهدات مالی کوتاه مدت از قبیل حسابها و اسناد پرداختنی با دارایی های جاری یا جریان های نقدی ،که جهت بازپرداخت این بدهی ها در دسترس هستند مقایسه می کنند.(رایلی و بروان[[17]](#footnote-17)،2004).

نقدشوندگی که یکی از عواملی است که بر گزارشگری مالی شرکت ها و همچنین به موقع بودن این گزارشات تاثیر گذار است، سرمایه­گذاران را قادر می­سازد تا به معامله بپردازند و به راحتی اوراق بهادار خود را به وجه نقد تبدیل کنند و هزینه سرمایه[[18]](#footnote-18) زمانی که عدم نقدشوندگی بالاست افزایش می­یابد (آمیهود[[19]](#footnote-19) و مندلسون، 1986; آچاریا[[20]](#footnote-20) و پدرسن،2005).

 سرمایه­گذاران به بازارهایی روی می­آورند که از نقدشوندگی بیشتری برخوردار باشد و این مقوله از عوامل مهمی در رشد و توسعه بازارها محسوب می­شود. نقدشوندگی به معنای توانایی بازار در جذب حجم زیاد معاملات بدون ایجاد نوسانات شدید در قیمت است. از ویژگیهای بازارهای نقدشونده[[21]](#footnote-21) (دارای نقدشوندگی بالا)، اندک بودن فاصله بین قیمت­های پیشنهادی خرید و فروش است که به تبع آن معاملات به روش مقرون به صرفه­ای اجرا می­شوند. نقدشوندگی در بازارهای دست دوم، هزینه سرمایه­گذاران را از طریق کاهش دامنه نوسان و هزینه­های معاملاتی کاهش می­دهد و امکان دسترسی به سرمایه­گذاران مختلف با استراتژیهای معاملاتی متنوع را فراهم می­آورد. نقدشوندگی در بازارهای ثانویه در موفقیت عرضه­های عمومی نقش تعیین­کننده­ای دارد و موجب کاهش هزینه و ریسک پذیره­نویسان[[22]](#footnote-22) و بازارسازان می­شود. همچنین هزینه سرمایه­گذاران از طریق کاهش دامنه­ی نوسان و هزینه­های معاملاتی، کاهش می­یابد. بنابراین از دیدگاه کلان، وجود بازارهای سرمایه نقد برای تخصیص کارای سرمایه ضروری است. این امر هزینه سرمایه ناشران را نیز کاهش می­دهد. از دیدگاه خرد، بازار سرمایه نقد امکان دسترسی به سرمایه­گذاران مختلف با استراتژی های معاملاتی متنوع را نیز فراهم می­آورد.

در این پژوهش از نسبت جاری که از تقسیم دارایی جاری به بدهی جاری به عنوان متغیر مورد نظر استفاده می شود.

### 5-3-2 مدیریت بدهی

 از دیگر عوامل موثر بر گزارشات مالی مدیریت بدهی[[23]](#footnote-23) است. نسبت های ساختار سرمایه ، نسبت هایی هستند که رابطه منابع مالی مورد استفاده شرکت از از لحاظ بدهی های جاری ،بدهی های بلند مدت ،حقوق صاحبان سهام و نحوه ترکیب انها را مشخص و ارزیابی می کنند.این نسبت ها وجوهی را که توسط سهامداران عادی شرکت تامین گردیده ، یا وجوهی را که به صورت وام جهت سرمایه گذاری از اعتبار هندگان تامین شده است را با هم مقایسه کرده و نسبت انها را اندازه گیری می کنند.این نسبت­ها اساسا به حجم کلی بدهی های شرکت تاکید دارند.این نسبتها توان شرکت را برای انجام تعهدات کوتاه مدت و بلندمدت خود منعکس می سازند .

 بطور کلی ، نسبت های ساختار سرمایه ،دو دسته هستند : یک دسته به بخش بدهی ها و حقوق صحبان سهام مربوط هستند و از طریق آن میزان منابعی که یک شرکت از راه اخذ وام و استقراض تامین نموده ، ارزیابی می کنند.دسته دوم توان شرکت را در ایجاد سود کافی برای بازپرداخت هزینه بهره و استقراض نشان می دهند(صحاف رضوی، 1385).

**نسبت های ساختار سرمایه**

1. نسبت حقوق صاحبان سهام به کل بدهی
2. نسبت کل بدهی ها به حقوق صاحبان سهام
3. نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی
4. نسبت کل بدهی به کل دارایی

### 6-3-2 مدیریت دارایی

نسبت فعالیت

نسبتهاي که عملکرد این واحد تجاري را در استفاده از دارائیهاي جاري و غیرجاري نشان می دهد. نسبتهاي فوق عبارتند از :

**نسبت گردش دارایی**

یکی از نسبت های مالی که بیانگر کارایی می باشد گردش دارایی هاست که به شرح زیر محاسبه می شود

$$ها دارایی گردش= \frac{فروش}{ها دارایی مجموع}$$

که در این تحقیق به عنوان مدیریت دارایی[[24]](#footnote-24) مد نظر می باشد.

### 7-3-2 نسبت سودآوری

 سودآوری به توانایی شرکت در بدست آوردن درآمد وسود اشاره می کند.درآمد یا سودخالص ،تنها معیار اندازه گیری سودآوری می باشد .سرمایه گذاران و اعتباردهنگان ،علاقه زیادی به ارزیابی سودآوری جاری وآتی یک شرکت دارند .شرکت هابرای جذب سرمایه مورد نیاز خود ،مجبورند سود کافی برای تامین بازده مناسب جهت سرمایه گذاران و اعتباردهندگان بدست آورند.در صورتی که شرکتها سود کافی تحصیل نکنند،آنها قار به جذب سرمایه مورد نیاز جهت اجرای انواع پروزه ها از طریق سهامداران یا اعتباردهندکان نخواخد بود.دوام بقاء یک شرکت در بلندمدت ،به توانایی آن در کسب درآمد کافی برای انجام کلیه تعهدات و تامین بازده مناسب برای سهامداران اصلی ، بسنگی دارد(مجید اسماعیل پور ، 1377).

 توان سودآوري[[25]](#footnote-25) شركت به عنوان يكي از متغيرهاي اثر گذار بر مدت زمان اجرا و تكميل عمليات حسابرسي مورد مطالعه قرار گرفته است. وجود يك رابطه منفي بين توان سودآوري شركت با مدت زمان تاخير در اجرا و تكميل عمليات حسابرسي شركت قابل تصور است. بدين معني كه شركتهاي سود ده زودتر از شركتهاي زيان ده، عمليات حسابرسي خود را اجرا و تكميل مي كنند.(فراست وپاونال[[26]](#footnote-26)،1994)

 گزارش سود يا زيان مي تواند به عنوان يك خبر خوب يا بد در مورد نتايج عملكرد سالانه شركت مورد توجه قرارگيرد . در مورد شركتهاي زيان ده، مديران شركت تمايل دارند انتشار گزارشهاي مالي سالانه با تاخير باشد تا از عواقب انتشار يك خبر بد اجتناب نمايند. ازاين رو، مديران شركتهاي زيان ده تمايل دارند، حسابرسان از برنامه زماني معمول حسابرسي عقب تر باشند و عمليات حسابرسي با تاخير بيشتري انجام شود. هم چنين در مورد شركتهاي زيان ده، حسابرسان عمليات حسابرسي را با احتياط و اعمال مراقبت حرفه اي بيشتري انجام مي دهند. به ويژه زماني كه احتمال بروز ناتواني مالي، ورشكستگي يا عدم تداوم فعاليت يا تقلب مديران در شركتهاي زيان ده وجود داشته باشد . (کنچل وپاین[[27]](#footnote-27) ،2001)در نقطه مقابل، شركتهاي سود ده به منظور انتشار يك خبر خوب تمايل به انتشار زودتر از موعد صورتهاي مالي سالانه حسابرسي شده دارند. از اين رو نسبت به تكميل سريع عمليات حسابرسي و جلوگيري از تاخير در تكميل عمليات حسابرسي علاقه نشان مي دهند. هم چنين در شركتهاي سود ده ، چنان چه حاشيه سود يا نرخ بازده آنها بالاتر از متوسط صنعت باشد، با انتشار اين خبر خوب، از مزاياي پيش بيني هاي بازار و تصميمات استفاده كنندگان در مورد شركت منتفع خواهند شد. عملكرد مثبت يك شركت اثر برجسته اي بر روي ارزش سهام شركت خواهد داشت. (فراست وپاونال،1994)

#### 1-7-3-2 بازده کل دارایی ها

 بازده کل دارایی ها ، نقش اصلی در تحصیل سود ایفا می کنند. هرچقدر دارایی ها با کارایی بیشتری بکار گرفته شوند ، شرکت سودآورتر خواهد بود . دارایی ها صرفنظر ازاینکه از محل وجوه استقراض یا سرمایه گذاری صاحبان اصلی ، تامین شده باشد ،وظایف مربوط به خود را به نحوی مطلوب انجام می دهند .بازده کل دارایی ها ، نحوه بکارگیری ازدارایی های شرکت در جهت ایجاد درآمد و فروش توسط مدیریت را مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد.سهامداران و مدیران بازده کل دارایی های شرکت را با بازده بکارگیری منابع در زمینه های دیگر با هم مقایسه می کنند.هر چه این بازده بالاتر باشد ، کارایی شرکت در بکارگیری دارایی ها و منابع بهتر است. شکل ابتدایی و ساده فرمول محاسباتی بازده کل دارایی ها ، به صورت زیر است:

$$ها دارایی کل بازده نسبت= \frac{خالص سود}{ها دارایی کل}$$

هرچند این فرمول توسط بسیاری از سرمایه گذاران و تحلیل گران مورداستفاده قرار می گیرد ، اما اگر توجه دقیق تری به فرمول فوق بیاندازیم ، خواهیم دید که هم صورت و هم مخرج کسر فوق دارای نواقصی است.

 از آنجایی که نسبت بازده کل دارایی ها جهت سنجش کفایت و مارایی مدیریت در استفاده موثر از دارایی ها و امکاناتی که از محل سرمایه گذاری انجام شده در شرکت آنها قرار گرفته است ، مورد استفاده قرار می گیرد ، بنابرین می بایست صورت کسر تعدیل شود.زیرا صورت کسر تنها بیان کننده بازده سهامداران و صاحبان اصلی شرکت است و بازده بدست آمده و تخصیص داده شده به اعتباردهندگان مورد توجه قرارنگرفته است.همان طوری که می دانیم ،بخشی ازدارایی های شرکت توسط اعتباردهندگان تامین مالی شده است و اینها بازده خود را از محل هزینه بهره دریافت می کنند.بنابراین از آنحایی که مخرج کسر : شامل منبع فراهم شده توسط صاحبان سهام و اعتباردهندگان است ، صورت کسر نیز می بایست شامل ایجاد شده توسط هر دو منبع فوق باشد.

 باید توجه داشته باشیم که مجموع دارایی ها در طول یک دوره مالی ثابت نمی ماند و همواره دست خوش تغییرات می شود ، بنابراین ، از انجایی که در طول دوره مالی همواره تغییراتی در میزان دارایی ها ایجاد می شود ، لذا برای آنکه نتیجه بدست آمده از این نسبت دقیق تر باشد ، می بایست متوسط دارایی هایی که در یک دوره مالی مورد استفاده قرار گرفته است در مخرج کسر قرار داده شود. درنتیجه برای سنجش دقیق بازده دارایی ها، بایستی از فرمول محاسباتی زیر استفاده شود :

$$ها دارایی کل بازده نسبت=\frac{بهره های هزینه+مالیات مشمول سود}{ها دارایی کل متوسط}$$

چنانچه مبلغ هزینه بهره ، سود مشمول مالیات یا مجموع دارایی ها در اول دوره موجود نباشد،تحلیل گر می تواند از فرمول ساده اولیه اشاره شده در یالا استفاده نماید.

### 8-3-2 اهرم مالی

**نسبت بدهي به حقوق صاحبان سهام** :اين امكان وجود دارد ،شركتهايي كه نسبت بدهي به حقوق صاحبان سهام آنها بالا باشد؛ تمايل داشته باشند ميزان و سطح ريسك خود را پنهان نمايند.آنها ممكن است براي اين منظور درصدد برآيند، صورتهاي مالي سالانه خود را با تاخير منتشر کنند. از طرف ديگر بالا بودن نسبتبدهي به حقوق صاحبان سهام که بیان کننده اهرم مالی[[28]](#footnote-28) است، احتمال ناتواني شركت در بازپرداخت بدهي و ايفاي تعهدات را افزايش می دهد. در چنين مواردي حسابرسان نگران كمتر از واقع نشان دادن بدهيها توسط شرکت خواهند بود. بنابراين حسابرسان براي كاستن ميزان مسئوليت خود در مقابل دعاوي مطروحه احتمالي در آينده، رسيدگي كامل تري را برنامه ريزي كرده و روشهاي حسابرسي را بگونه اي طراحي و اجرا مي نمايند كه از كامل بودن بدهي هاي ثبت شده اطمينان حاصل كنند. انجام این گونه اقدامات از جانب حسابرسان ، موجب طولاني شدن زمان تكميل عمليات حسابرسي و تاخير در انتشار صورتهاي مالي خواهد شد. (سلطانی[[29]](#footnote-29)،2002)

### 9-3-2 اندازه شرکت

 العجمي (2008)،يکي از ويژگي هاي مرتبط با به موقع بودن گزارشگري مالي، اندازه شركت[[30]](#footnote-30) است در مورد جهت اين رابطه، دو ديدگاه متضاد وجود دارد. براساس ديدگاه اول، شركت هاي بزرگ فاصله زماني گزارشگري طولانيتري نسبت به شركت هاي كوچك دارند؛ به دليل آن كه حسا بهاي شركت هاي بزرگ نسبت به شركت هاي كوچك تر، پيچيده تر است. همچنين، ميزان اطلاعاتي كه آنها بايد جمع آوري نمايند، گسترده مي باشد و ممکن است از بخشها، شعب و شركت هاي ، فرعي متعددي به آنها منتقل شود .

 براساس ديدگاه دوم، شركت هاي كوچك فاصله زماني گزارشگري طولاني تري نسبت به شركت هاي بزرگ دارند. نخست اينکه شركت هاي بزرگ اغلب منابع بيشتر، كارمندان حسابداري مجرب تر و سيستم هاي اطلاعاتي پيشرفته تري در مقايسه با شركت هاي كوچكتر دارند. همه اين ويژگي ها به شركت هاي بزرگ در گزارشگري سريع تر كمك مي كند.

 دوم اينکه شركت هاي بزرگ بيشتر در معرض توجه عموم قرار دارند؛ ب هخصوص آن كه شركت هاي بزرگ از سوي تحليل گران زيادي كه معمولاً اطلاعات به موقعي براي تأييد و بازنگري انتظارهاي خود نياز دارند، رصد مي شوند. سوم اينکه معمولاً شركت هاي بزرگ براي اجتناب از مداخله دولت، اطلاعات را سريع تر از شركت هاي كوچكتر منتشر مي كنند؛ زيرا شركت هاي بزرگ به دليل داشتن پيامدهاي قابل توجه اقتصادي، از سوي نهادهاي دولتي قابل رديابي تر هستند در نهايت اينکه شركت هاي بزرگ اغلب به وسيله سرمايه گذاران، اتحاديه هاي تجاري و نهادهاي قانوني كنترل مي شوند؛ بنابراين با فشار بيشتري جهت ، ارائه زودتر گزارش هاي خود روبرو هستند ( البناني،2008).

 در بيشتر پژوهش های انجام شده قبلي در خارج از كشور، وجود رابطه معني دار بين به موقع بودن گزارشگري مالي ساليانه با اندازه شركت مورد تاييد قرار گرفته است. بيشتر اين محققين معتقدندكه شركتهاي با اندازه بزرگ زودتر از شركتهاي كوچك، عمليات حسابرسي خود را اجرا و تكميل مي كنند. زیرا اولا - به دليل استقرار سيستم هاي كنترل داخلي قوي در شركت هاي بزرگ ، احتمال وقوع اشتباه چه سهوي و چه عمدي در صورتهاي مالي كاهش پيدا می كند و به تبع آن حسابرسان مي توانند اتكاي بيشتري بر سيستم كنترل داخلي شركت نموده و به نحو قابل ملاحظه اي از حجم آزمون هاي محتوا به کاهند .ثانیا- شركتهاي بزرگ به دليل داشتن منابع مالي زياد قادرند كارمندان حسابداري بيشتر با تخصص و تحصيلات بالاتر و همچنين سيستم هاي اطلاعاتي پيشرفته تري را به خدمت به گيرند . از طرف ديگر اين شركت ها با در اختيار حسابرسان گذاشتن تعدادي از پرسنل خود و انجام قسمتي از كارهاي حسابرسي و بكارگيري موسسات حسابرسي كارآمد و پرداخت حق الزحمه حسابرسي بيشتر، عمليات حسابرسي صورتهاي مالي آنها در مدت زمان اندكي بعد از اتمام سال مالي انجام می شود . ثالثا- شركت هاي بزرگ از حساسيت بيشتري نسبت به شركت هاي كوچك برخوردار ند. شركت هاي بزرگتر داراي هزينه هاي سياسي بيشتري نسبت به شركت هاي كوچك تر هستند. بزرگ بودن شركت، تعداد زياد ذينفعان را به همراه دارد كه تمايل دارند ، عمليات شركت را با دقت و حساسيت زيادي تعقيب كنند. بنابراين مديران شركت هاي بزرگ تمايل دارند، مدت زمان تاخير در اجرا و تكميل عمليات حسابرسي و گزارشگري مالي را كاهش دهند. زيرا آنها شديدا از طرف سرمايه گذاران، اعتبار دهندگان، نهادهاي قانوني و ديگر استفاده كنندگان براي ارائه به موقع صورت هاي مالي خود تحت فشارند . لذا، اين فرض قابل تصور وجود دارد كه ارتباط معني دار آماری بین اندازه شرکت و مدت زمان اجرا و تكميل عمليات حسابرسي وجود دارد( کنچل و پاین ،2001)

## 4- 2 تحقیقات نظری

تاخير در انتشار صورت هاي مالي همواره از موضوعات بحث بر انگيز در ادبيات گزارشگري مالي بوده است.در این بخش به برخی تحقيقات انجام شده مرتبط با موضوع تحقيق اشاره مي شود.

**بيانيه شماره 2 مفاهيم حسابداري هيأت استانداردهاي حسابداري مالي**، بهنگام بودن اطلاعات را يكي از اركان مربو ط بودن اطلاعات مالي مي داند و آن را چنين تعريف مي كند: "در دسترس بودن اطلاعات براي تصميم گيري قبل از اينكه تأثيرگذاري آن بر تصمیم ها از بين برود.

 **هندريكسن و بردا (1992)** ، ويژگي بهنگام بودن اطلاعات را مختص گروه خاصي از استفاده كنندگان نمي دانند و بر اين عقيده اند كه همه استفاده كنندگان اطلاعاتي به موقع را طلب مي كنند. آن ها چنين بيان مي دارند كه جمع آوري، تلخيص وانتشار اطلاعات بايد از سرعت لازم برخوردار باشدتا چنين برداشت شود كه در زمان لازم در دسترس استفاده كنندگان قرار خواهد گرفت.

 **به عقيده ولك و همكاران(2001)** ،بهنگام بودن اطلاعات باديگر جنبه هاي مربوط بودن اطلاعات رابطه متضادي دارد ؛ به نحوي كه بين اين عامل كيفي وساير ويژگي هاي كيفي مربوط بودن نوعي سازش وجود دارد.بهنگام بودن همانند ديگر ويژگي هاي اطلاعات، معياري كيفي است و كمي كردن آن به منظور استفاده در آزمون هاي آماري و كسب دانش لازم در خصوص آن كاري دشوار تلقي مي شود. يكي از راه هاي غلبه بر اين دشواري، همان طور كه در بند57 بيانيه شماره 2مفاهيم حسابداري آمريكا آمده است، استفاده از اختلاف زماني در قالب روز و يا درمراحل بسيار حساس تر در واحد ساعت است. درپژوهش حاضر به منظور اندازه گيري بهنگام بودن گزارش هاي مالي از مقياس سرعت گزارشگري به معناي اختلاف زماني ميان تاريخ پايان سال مالي وتاريخ انتشار صورت هاي مالي سالانه حسابرسي شده توسط شركت ها در واحد روز استفاده شده است.

**ليو(1974**)، نسبت هاي مالي به عنوان اجزاي يك سيستم تجزيه و تحليل با توجه به رسالت و نتيجه اي كه سيستم به دنبال آن است، به دسته ها و گروه هاي مختلفي تقسيم مي شود. نسبت هاي مالي را به پنج دسته كلي شامل نسبت هاي نقدينگي،نسبت هاي بازدهي، نسبت هاي عملكرد، نسبت هاي سودآوري و نسبت هاي بازار تقسيم بندي كرد.

**اسماعيل و چندلر(2004)** ،رابطه بين ساختار سرمايه شركت و به موقع بودن را مي توان با استفاده از دو نظريه رقيب مورد بررسي قرارداد هر نظريه جهت متفاوتي از اين رابطه را نشان ميدهد.طرفداران ديدگاه اول معتقد هستند كه شركت هاي با اهرم بالاتر، سريعتر ازشركت هاي با اهرم پايينترگزارشگري مي كنند؛ زيرا براساس نظريه نمايندگي،شركت هاي با اهرم بالاتر هزينه هاي نظارت بيشتري را متحمل مي شوند. به دليل آن كه اين شركت ها تمايل به سرمايه گذاري زير حد بهينه دارند، معمولاً اعتباردهندگان بندهايي را در قراردادهاي بدهي مي گنجانند كه فعاليت هاي مديريت را محدود مي كند.

**اوسو-انسا (2000**)، يکي از بندهاي قرارداد، افشاي سريع و متناوبتر را ملزم مي كند تا اعتباردهندگان بتوانند وضعيت يا عملکرد مالي بلندمدت شركت ها را موردارزيابي مجدد قرار دهندحاميان ديدگاه دوم اعتقاد دارند كه شرك تهاي با اهرم بالاتر، ديرتر از شركت هايبا اهرم پايينتر گزارش م يكنند. طرفداران اين ديدگاه بر اين باورند كه نسبت بالاي بدهي به دارايی، قصور در پرداختها و در نهايت ورشکستگي را به خصوص در زمان ركود اقتصادي، افزايش مي دهد.

**کارسلو وکاپلان(1991)،**اهرم مالی معمولا از دو جنبه می تواندبا گزارشگری به موقع ارتباط داشته باشداول ایکه نسبت اهرمی بالا احتمال شکست واحد تجاری را افزایش می دهد و متقابلا احتمال اینکه حسابرسان مستقل تحت تعقیب قانئنی قرار گیرند افزایش می یابد لذا در چنین شرایطی ممکن است حسابرس ملزم گردد تا حسابرسی بیشتری را انجام داده و با جمع آوری و مستندات بیشتر ،بر علیه هر گونه دادخواهی حقوقی احتمالی آتی ، توان مقابله ودفاع از اظهار نظر خود داشته باشد و بالتبع کار حسابرسی با تعویق بیشتری به پایان خواهد رسید.

دوم اینکه از نظر زمانی معمولا حسابرسی بدهی وقت گیر تر از حسابرسی سرمایه است مخصوصا اگر تعداد بستانکاران زیاد باشد.

## 5-2 پژوهش های پیشین

### 1-5-2 تحقیقات خارجی

* **كورتيس (1976)** در تحقيقي، رابطه بين چهار ويژگي انتخابي و زمان گزارشگري مالي در شركت­هاي پذيرفته شده در بورس نيوزلند را مورد مطالعه قرارداد. چهار ويژگي انتخابي شامل عمرشركت، تعداد سهامداران، تعداد صفحات گزارش هاي مالي و حسابرسي ساليانه و نوع صنعت بود. تنها نوع صنعت با زمان گزارشگري مالي داراي رابطه معني دار بوده و سه ويژگي ديگر فاقد رابطه معني داري بودند. بر اساس تحقيق كورتيس ، شركت­هايي كه در زمينه صنايع سوخت و انرژي و واسطه گري مالي فعاليت داشتند،گزارشگران مالي سريعي بودند. در نقطه مقابل شركتهاي شاغل در زمينه صنايع معدني، استخراجي و خدماتي گزارشگري كندي داشتند. هم چنين فاصله زماني بين پايان سال مالي شركت­هاي نمونه با تاريخ گزارشگري مالي و انتشار صورتهاي مالي آنها چهار و نيم ماه بوده است. از كل زمان گزارشگري مالي يعني چهار و نيم ماه ، سه ماه آن براي حسابرسي صورتهاي مالي صرف شده است .
* **گیولی و پالمن(1982)** تحقیقی در در یک دوره 15 ساله بر روی 210 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نیویورک طی فاصله­ سال­های 1960 تا 1974 انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که معانلات و مشخصه­های صنعتی ارتباط قوی­تری نسبت به ویژگی­های مورد مطالعه­ی شرکت(نظیر اندازه شرکت و پیچیدگی عملیات آن) با تاخیرهای گزارشگری دارد. علاوه­برآن، اخبار نامطلوب با تاخیر بیشتری گزارش می­شود و درجه­ی واکنش بازار به اعلان زود یا دیر اخبار متفاوت است. اعلان باتاخیر معمولاً حاوی اطلاعات کمتری نسبت به گزارشگری به موقع است.
* **وایترد و زیمر(1984)** نیز نشان داد که شرکت­هایی که با بحران مالی روبرو نیستند زمان کمتری برای انتشار گزارش نسبت به شرکت­هایی که با بحران مالی روبرو هستند صرف می­کنند. یافته­های تحقیق نشان داد که مدیریت شرکت تمایل و کوشش بیشتری برای به تاخیر انداختن انتشار اخبار بد شرکت یا مسکوت گذاشتن اطلاعاتی که به شرکت آسیب می­رساند، دارد.
* **چمبرز و پنمان(1984)** گزارشگری به­موقع و رابطه آن با واکنش قیمت سهام نسبت به گزارش سود را مورد بررسی قرار داد. نتیجه این تحقیق بطور خلاصه حاکی از آن بود که تغییرپذیری بازده اوراق سهام همزمان با ارائه گزارش­های سود به زمانی که طول می­کشد تا شرکت­ها گزارش خود را ارائه نمایند ارتباطی ندارد و همچنین به محض آشکار شدن تاخیر در زمان ارائه گزارش­های بازار آن را بد تعبیر می­نماید.
* **کراس و شرودر(1984)** انجام شد تاثیر زمان گزارشگری فصلی سود بر بازده قیمت سهام مورد بررسی قرار گرفت. این تحقیق رابطه بین زمان گزارشگری فصلی سود و نوع پیش­بینی که می­توان از وضعیت سودآوری شرکت داشت(خوب یا بد) و همچنین رابطه بین بازده قیمت سهام در زمان حول و حوش تاریخ ارائه ارتباط دارد. بازده­های غیرعادی شرکت­هایی که زود گزارش نموده­اند بطور قابل توجهی بیشتر از شرکت­هایی که دیر گزارش کرده­اند می­باشد.
* **فاستر(1986)**، نسبت هاي نقدينگي، نسبت هاي فعاليت، نسبت هاي اهرمي و نسبت هاي سودآوري رابه عنوان چهار دسته بندي از نسبت هاي مالي ارائه كرد.
* **فرست و پونال (1994)** در يك مطالعه مقايسه اي بين شركتهاي امريكايي با شركتهاي انگليسي ، بيان كردند كه شركتهاي امريكايي نسبت به شركتهاي هم گروه انگليسي، گزارشگري مالي به موقع تري دارند. نتايج تحقيق آنها نشان داد كه بين مدت زمان گزارشگري مالي و اندازه شركت و تاريخ پذيرش شركت در بورس (عمر شركت) ، رابطه معني داري وجود دارد.
* **عبدالله**(1996) درمورد گزارش­های سالانه­ی 26 شرکت بحرینی نشان داد که رابطه منفی معناداری میان به­موقع بودن انتشار گزارش با سودآوری، اندازه­ی شرکت و سود سهام نقدی توزیع شده وجود دارد. رابطه­ی بین نوع صنعت و به­موقع بودن گزارش معنی دار نبود. همچنین برای همبستگی بین نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام و به موقع بودن گزارش مطابق با پیش­بینی­ها نبود.
* **علام حسین (1998)** عوامل موثر بر تاخیر حسابرسی را در بین شرکت های پاکستانی مورد بررسی قرار داد و یافته ها نشان داد که برای شرکت های چند ملیتی تاخیر حسابرسی بیشتر بوده است بدین معنی که با افزایش تعداد شعب های شرکت های چند ملیتی تاخیر حسابرسی با افزایش مواجه بوده است.
* **انسه (2000**) در پژوهشی، به موقع بودن گزارشگري مالي ساليانه 47 شركت غيرمالي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار زيمبابوه را مورد بررسي قرار داد. نتايج اين مطالعه نشان داد كه 98% شركتهاي انتخاب شده به عنوان نمونه در مهلت مقرر قانوني ،گزارشهاي مالي ساليانه خود را ارائه نموده اند. نتايج تحقيق آنها نشان داد كه متغيرهايي مانند اندازه شركت، توان سودآوري و عمر شركت با زمان گزارشگري مالي ارتباط معني داري داشته اند.
* **رز و همكاران(2002)**، بيان مي دارند كه نسبت هاي مالي به طور معمول به پنج دسته تقسيم مي شود: سياليت كوتاه مدت، سياليت بلندمدت،مديريت دارايي، نسبت هاي سودآوري و نسبت هاي بازار.
* **آنااِرت و همکارانش (2002)** ،رابطه بين محتواي اخبار )خوب و بد( با زمانبندي افشاي گزارش هاي ميا ندوره اي را مورد بررسي قرار دادند و براي اين منظور 64شركت از بورس اوراق بهادار بروكسل را طي سا لهاي 1991 تا 1998 انتخاب كردند. نتايج تحقيق نشان مي دهد ميانگين مدت زمان گزارشگري 57 روز است كه با مهلت مجاز چهارماهه فاصله قابل ملاحظه اي دارد. همچنين، هيچ شواهدي مبني بر تأييد به تاخير افتادن اخبار بد و گزارشگري سريع تر اخبار خوب، ب هدست نيامد. در ضمن، هيچ عکس العمل قابل ملاحظهاي از سوي بازار درباره اخبار خوب يا بدي كه ديرتر يازودتر از زمان مورد انتظار گزارش ميشوند، مشاهده نشد.
* **سلطاني (2002)**، با بررسي بيش از 50000 گزارش مالي شركت هاي فرانسوي، به بررسي موضوع بهنگام بودن گزارش هاي مالي شركت ها و گزارش حسابرسي آن ها پرداخت. وي به اين نتيجه رسيد كه شركتهاي فعال در بازه زماني 1986 تا 1995 سعي در توسعه بهنگام بودن گزارشهاي خود داشته اند. افزون بر اين،شركت هايي كه گزارش تعديل شده حسابرسي داشته اند، با تأخير بيشتري گزارش هاي مالي خود رامنتشر كرد ه اند.
* **آدزرين و احمد**(2003)، جهت بررسی مهمترين دلايل طولاني شدن تكميل عمليات حسابرسي شركتهاي مالزيايي ، 100 شركت از شركتهاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار كولالامپور را براي دوره زماني بین سالهای 1996تا 2000 میلادی را انتخاب کردند. هشت متغير مستقل تحقيق شامل اندازه شركت، نوع صنعت، سود يا زيان شركت، اقلام غير مترقبه، نوع اظهار نظر حسابرسي، اندازه و ميزان تخصص موسسات حسابرسي، پايان سال مالي و نسبت بدهي به دارايي شركت بودند. نتايج تحقيق هم چنین ، نشان داد كه از بين هشت متغير مستقل تعريف شده ، شش متغير نوع صنعت، سود يا زيان، اظهار نظر حسابرسي، حسابرسان، پايان سال مالي و نسبت بدهي به دارايي، با متغير وابسته تحقيق داراي رابطه معني دار بوده اند. مدت زمان اجراي عمليات حسابرسي، با زيان، نوع اظهار نظر و نسبت بدهي به دارايي شركت رابطه مستقيم و با نوع صنعت، حسابرسان و پايان سال مالي شركت رابطه منفي داشته است.
* **شاو (2003)**، به بررسي رابطه ميان كيفيت افشاي اطلاعات، هموارسازي سود و بهنگام بودن سودپرداخت. وي با استفاده از داده هاي 1112 سال شركت به اين نتيجه رسيد كه شركت هايي كه داراي كيفيت گزارشگري بالاتري هستند، از حسا بهاي تعهدي اختياري بيشتري استفاده مي كنند و بيشتر به مديريت سود و هموارسازي آن توجه مي كنند. همچنين، به هنگام بودن سود در زماني كه اخبار بد (سودآور نبودن)وجود داشته باشد، با كيفيت افشاي اطلاعات رابطه معكوس دارد.
* **لونت و همکارانش )2003( ،**به منظور بررسي مدت زماني كه طول مي كشد تاشركت هاي پذيرفت هشده در بورس اوراق بهادار نيوزيلند سود خود را گزارش نمايند،نمونه اي شامل 640 اعلام سود شش ماهه و 678 اعلام سود سالانه براي دوره 1998 تا2002 را انتخاب كردند. ميانگين مدت زمان اعلام سود سالانه طيفي بين 61 تا 65 روزپس از تاريخ ترازنامه را در بر مي گرفت، در حاليكه اعلام سود شش ماهه به طورميانگين بين 52 تا 56 روز از پايان دوره مورد گزارش انجام شده بود.
* **سنگوپتا ) 2004( ،** به بررسي اين موضوع پرداخت كه چرا برخي شركت ها اطلاعات مالي ميا ن دوره اي را نسبت به ساير شركت ها سري عتر منتشر ميكنند. براي اين منظور11071گزارش سه ماهه چهارم شركت ها در ايالات متحده آمريکا طي دوره 1995 تا 2000 مورد استفاده قرار گرفت. متغيرهاي تحقيق عبارت بودند از تعداد سهامداران،حجم معاملات و درصد سهام متعلق به سهامداران عمده )به عنوان سرمايه گذاران نهادي(، نوع صنعت از نظر ميزان ريسك دعوي حقوقي و تعداد اعضاي مستقل هيئت مديره )به عنوان معيار هزينه دعاوي حقوقي(، نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتري آن و نسبت فروش پنج شركت بزرگ به مجموع فروش كل شركت ها )به عنوان معيار هزينه هاي مالکيت(، تعداد بخش هاي قابل گزارش، تعداد تحصيل شركت هاي ديگر و وجود يا نبود اقلام خاص )به عنوان معيار پيچيدگي حسابداري( نتايج تحقيق نشان مي دهد كه مدت زمان گزارشگري شركت هايي كه با تقاضاي زيادتري براياطلاعات از سوي سرمايه گذاران مواجه مي شوند وهزینه های دعاوي حقوقي بالاتري دارند، كوتاه تر است. با اين وجود، مدت زمان گزارشگري شركت هايي با مالکيت عمده بيشتر و شرك هايي با عمليات پيچيده تر، طولاني تر است.
* **لونتيس و ويتمن (2004)** ،به موقع بودن گزارشگري مالي شركت ها در يونان را مورد بررسي قرار دادند. براي انجام اين مطالعه، 227 شركت پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار آتن براي سال 1997 انتخاب شد. محققان تأثير عرضه عمومي سهام، حجم معاملات، تغيير در سودآوري، تعداد بندهاي شرط گزارش هاي حسابرسي، موانع ورود )درصد اموال، ماشين آلات و تجهيزات به مجموع دارايي ها(، نسبت تمركز )درصد درآمد كنترل شده به وسيله چهار شركت بزرگ هر صنعت( و اندازه شركت را بر به موقع بودن گزارشگري مالي بررسي كردند. نتايج تحقيق نشان ميدهد كه عرضه عمومي سهام، تغيير در سودآوري، تعداد بند شرط گزارش حسابرسي و نسبت تمركز،رابطه معناداري با به موقع بودن گزارشگري دارند و ساير متغيرها با به موقع بودن ارتباط ندارند. ميانگين مدت زمان گزارشگري 129 روز است.
* **كام و چك (2005)** جهت شناسايي اثر تغيير وظايف كاركنان موسسه حسابرسي و تغيير مؤسسه حسابرسي مسؤول انجام عمليات حسابرسي بر زمان ارائه گزارش حسابرسي ، تعداد 369 شركت استراليايي را براي سال مالي 2001 به عنوان نمونه تحقيق انتخاب کردند . نتايج اين پژوهش نشان داد كه تغيير در وظايف و مسئوليت هاي كاركنان مؤسسه حسابرسي و واگذاري عمليات حسابرسي به يك مؤسسه حسابرسي هم اندازه ، اثر با اهميتي بر زمان صدور گزارش حسابرسي ندارد . ولي واگذاري مسئوليت انجام عمليات حسابرسي به يك مؤسسه حسابرسي بزرگتر ،داراي ارتباط معني داري با مدت زمان اجرا و تكميل عمليات حسابرسي هست.
* **ليونتيس و همكاران(2005)** تحقيقي را در زمينه شناسايي دلايل طولاني شدن زمان ارائه گزارشهاي حسابرسي در مورد شركتهاي پذيرفته شده در بورس آتن انجام دادند. به عقيده آنها، طولاني شدن زمان صدور گزارش حسابرسي يكي از عوامل تاثير گذار در ايجاد و توسعه بازارهاي سرمايه در رابطه با شركت است. به ويژه ، زماني كه صورتهاي مالي سالانه شركت تنها منبع اطلاعات قابل اتكاي سرمايه گذاران باشد. نتايج حاصل از اجراي آزمون هاي آماري نشان داد كه بين طولاني شدن زمان ارائه گزارش حسابرسي شركتها با اندازه مؤسسه حسابرسي، حق الزحمه حسابرسي، تعداد و ماهيت بندهاي گزارش حسابرسي شركت، وجود يا عدم وجود اقلام غير متر قبه در شركت، و ميزان ابهام در گزارش هاي حسابرسي شركت رابطه معني دار وجود دارد. در اين تحقيق بيان شده است كه در صورت استفاده از موسسات حسابرسي بزرگ و بين المللي و پرداخت حق الزحمه اضافي به حسابرسان ، مدت زمان اجرا و تكميل عمليات حسابرسي كاهش پيدا مي كند. هم چنين وجود اطلاعات و اخبار منفي بالقوه در شركت، موجب طولاني شدن مدت زمان رسيدگي هاي حسابرسان می شود.
* **هسلين(2006 )** جهت شناسايي دلايل طولاني شدن مدت زمان اجراي عمليات حسابرسي و گزارشگري مالي ، تعداد 265 شركت پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزي را براي سال مالي 2004 به عنوان نمونه تحقيق انتخاب کرد . نتايج حاصل از آمار توصيفي نشان داد كه، متوسط مدت زمان تكميل گزارش حسابرسي در شركتهاي مورد مطالعه 96 روز بوده است، كه اين مدت كمتر از مهلت قانوني چهار ماهه تعيين شده در مقررات بورس مالزي است. تعداد 257 شركت يا در حدود 96.98% از كل شركتهاي انتخابي ،الزامات قانوني مقرر را رعايت كرده و صورتهاي مالي خود را ظرف مهلت مقرر به بورس ارائه داده اند . تنها 8 شركت ( 3.02% از كل شركتها مورد مطالعه) ، صورتهاي مالي خود را در مهلت مقرر ارائه نداده اند.
* **آنسا و لونتيس(2006)**، با بررسي 95 شركت فعال در بازار سرمايه آتن به اين نتيجه رسيدند كه شركت هاي بزرگتر، شركت هاي خدماتي و شركت هايي كه توسط پنج مؤسسه بزرگ حسابرسي رسيدگي شده اند، گزارشگري سريعتري به نسبت بقيه شركت ها داشته اند. همچنين، نتايج پژوهش آنان نشان داد كه ميانگين تأخير زماني اين شركت ها 161 روز بوده است و شركت هاي فعال در صنعت ساخت و ساز و شركت هاي با گزارش مقبول حسابرسي، تلاش بيشتري براي گزارشگري به موقع تر دارند.
* **بورتيز و ليو (2006)** ، عوامل مؤثر بر به موقع بودن گزارشگري ميان دوره اي شركت هادر كانادا را مورد بررسي قرار دادند. براي اين منظور، صورتهاي مالي سه ماهه اول 266 شركت براي سال 2005 انتخاب شد. در اين تحقيق رابطه بين شفافيت محيط اطلاعاتي )كه با استفاده از اندازه شركت سنجيده مي شود(، عملکرد مالي )كه با استفاده از سود يا زيان سه ماهه و افشاي تداوم فعاليت اندازهگيري مي شود(، بررسي اجمالي و مسائل نمايندگي )كه با استفاده از مجموع اقلام تعهدي و جريان هاي نقدي آزاد اندازه گيري مي شود( با انتشار به موقع اطلاعات بررسي شد. نتايج تحقيق نشان مي دهد كه شرکت ها با محيط اطلاعاتي شفاف تر، عملکرد مالي بهتر و مسائل نمايندگي كمتر،نسبت به شركت هايي كه محيط اطلاعاتي آنها از شفافيت كمتري برخوردار است، عملکرد مالي آنها ضعيف و مسائل نمايندگي شان بيشتر است، سريع تر گزارشگري مي كنند. همچنين، شركت هايي كه صورتهاي مالي آنها بررسي اجمالي مي شود، نسبت به شركت هايي كه صورت هاي مالي آنها بررسي اجمالي نمي شود، سريع تر گزارش مي دهند.
* **وانگ و سونگ (2006) ،** با استفاده از 8248 گزارش مالي شركت هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار شنزن و شانگهاي طي سا لهاي 1993 تا 2003 ، به بررسي به موقع بودن گزار شهاي مالي سالانه شركت ها در چين پرداختند. آنها عوامل مؤثر برگزارشگري به موقع شامل اظهار نظر حسابرسي، سودآوري، اندازه شركت، نوع شركت، نوع سهام و محل بازار سهام را مورد تجزيه وتحليل قرار دادند. نتايج تحقيق نشان مي دهد سودآوري، اظهارنظر حسابرسي، اندازه شركت، نوع شركت، نوع سهام و محل بازار سهام، رابطه معناداري با مدت زمان گزارشگري دارند. ميانگين مدت زمان گزارشگري طي دوره تحقيق 88 روز بوده است.
* **دوگان و همكاران (2007)**، به بررسي رابطه سودآوري، اندازه شركت و ريسك مالي با به موقع بودن زمان گزارشگري براي شركت هاي فعال در بورس بين المللي پرداختند. نتايج پژوهش نشان داد كه شركت هاي سودآور در مقابل شركت هاي زيانده علاقه بيشتري به ارائه سريع تر گزارش هاي مالي داشته اند. افزون بر اين، اندازه شركت، ريسك مالي وسابقه گزارشگري به موقع از ديگر عوامل موثر بر گزارشگري به موقع بودند .
* **لونت و سان )2007)** ، عوامل مؤثر بر به موقع بودن گزارشگري مالي را با استفاده از 320 اعلام سود شش ماهه و 400 اعلام سود سالانه شركت هاي پذيرفته شده در بورس نيوزيلند بررسي كردند. در اين تحقيق تأثير سه عامل اندازه شركت، نوع صنعت و تاريخ ترازنامه )پايان سال مالي( بر مدت زمان گزارشگري براي دوره زماني 2004 تا 2006 مورد تجزيه وتحليل قرار گرفت. نتايج تحقيق نشان مي دهد كه مدت زمان گزارشگري با اندازه شركت و نوع صنعت ارتباط دارد؛ اما با تاريخ ترازنامه شركت ها ارتباط ندارد.
* **وو وهمکارانش)2008 ) ،** به بررسي رابطه بين به موقع بودن گزارش هاي سالانه شركت ها و ويژگی های هيئت مديره پرداختند. اين مطالعه با استفاده از976/2 گزارش مالي سالانه شركت هاي غيرمالي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تايوان طي دوره1998 تا 2004 انجام شد. متغيرهاي مورد بررسي عبارتند بودند از تعداد اعضاهيئت مديره، مالکان اصلي، مديران مستقل، تغيير فناوري، حجم معاملات، مالکيت نهادي، نسبت بدهي به دارايي، قدمت شركت، اندازه شركت، تغيير سود خالص، رشدفروش و چهار موسسه بزرگ حسابرسي. نتايج تحقيق نشان مي دهد به جزء متغيرهاي اندازه شركت، تغيير سود خالص، رشد فروش و چهار موسسه بزرگ حسابرسي، سايرمتغيرها با مدت زمان گزارشگري مرتبط مي باشند.
* **اسچرودر و همكاران (2008)** معتقدند كه بهنگام بودن اطلاعات ويژگي پشتيباني كننده اي براي مربوط بودن اطلاعات است. بيانيه شماره 2 مفاهيم حسابداري هيأت استانداردهاي حسابداري مالي، بهنگام بودن اطلاعات را يكي از اركان مربو ط بودن اطلاعات مالي مي داند و آن را چنين تعريف مي كند: "در دسترس بودن اطلاعات براي تصميم گيري قبل از اينكه تأثيرگذاري آن بر تصمیم ها از بين برود.
* **كورنيت و همكاران (2008)**، نسبت هاي مالي را در پنج شاخه با عنوان هاي نسبت هاي نقدينگي، نسبت هاي مديريت دارايي، نسبت هاي مديريت بدهي، نسبت هاي سودآوري و نسبت هاي ارزش بازار مطرح كردند.
* **ماهاجان و چندر (2008) ،**رابطه بين به موقع بودن افشاي مالي و ويژگيهاي شركت ها در هند را بررسي نمودند. اين تحقيق براساس گزارش هاي مالي سالانه 288 و299 شركت براي سال هاي 2005 و 2006 انجام شد. نتايج آمار توصيفي نشان مي دهدكه تقريباًً همه شركت هاي نمونه در هر دو سال مورد مطالعه ظرف مهلت مقرر 180روز گزارشگري مي كنند. همچنين رابطه بين اندازه شركت، سودآوري، نوع صنعت،قدمت، اهرم، گروه پذيره نويسي، مکان استقرار شركت، حق الزحمه حسابرسي، اندازه شركت حسابرسي و پيچيدگي حسابرسي با مدت زمان گزارشگري مورد بررسي قرارگرفت. نتايج يافته ها حاكي از آن بود كه تنها اندازه شركت، نوع صنعت، اندازه موسسه حسابرسي و پيچيدگي حسابرسي، رابطه معناداري با مدت زمان گزارشگري در هر دوسال مورد مطالعه دارد.
* **اوبرت(2009)**، به بررسي دلايل متفاوت بودن علايق مديران واحد تجاري در تأخير زماني گزارشگري مالي سالانه در شركتهاي فرانسوي پرداخت. وي به اين نتيجه رسيد كه تأخير زماني گزارشگري مالي سالانه با اهرم مالي رابطه مستقيم و با تأخير زماني در دوره قبل رابطه اي منفي دارد. افزون بر اين، نتايج پژوهش اوبرت نشان داد كه ميا نگين تأخير زماني 250 شركت مورد مطالعه 05/116روز بود.
* **هوی و هم­پژوهان(2009)،** به بررسی تاثیر محافظه­کاری بر پیش­بینی سود در بازه زمانی 1991 تا 2002 پرداختند. نتایج تحقیق آن­ها نشان داد میان محافظه کاری و خصوصیات مربوط به سو( تناوب، به موقع بودن، تشخیص­دهندگی) رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.
* **مک گی و یوان (2011)** ،به بررسی مقایسه به موقع بودن گزارشگری مالی در جمهوری خلق چین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا (EU) پرداختند. مطالعه آنها داده های بهنگام مقایسه را بر اساس شرکت های حسابرسی، برای تعیین اینکه آیا شرکت های حسابرسی شده توسط یکی از 4 شرکت بزرگ در گزارش مالی خود را به موقع می باشند. نتایج نشان می دهد که شرکت های چینی در زمان طولانی قابل توجه به گزارش نتایج مالی نسبت به شرکت های اتحادیه اروپا یا ایالات متحده می پردازد. شرکت های اتحادیه اروپا در زمان زمان طولانی قابل توجه به گزارش نتایج مالی از شرکت های ایالات متحده است.
* **دغان و همكاران(2012)**، در خصوص به موقع بودن گزارشگري مالي ، نمونه خود را از شركتهاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار بين المللي انتخاب کردند . هدف اين تحقيق بررسي رابطه بين چهار متغير مستقل؛ اخبار خوب و بد(سود يا زيان) در مورد شركت، ريسك مالي ، اندازه و نوع صنعت شركت با به موقع بودن زمان گزارشگري مالي بوده است. نتايج نشان داد ، به موقع بودن زمان گزارشگري مالي، تحت تاثير توان سودآوري شركت است . شركتهايي كه داراي اخبار خوب ( نرخ بازده سرمایه گذاری ویا نرخ بازده حقوق صاحبان بالاتر) بوده اند، زودتر از شركتهاي داراي اخبار نامساعد ، صورتهاي مالي خود را منتشر نموده اند . نتايج هم چنين نشان داد كه اندازه شركت، ريسك مالي بالا، خط مشي و زمان بندي مربوط به گزارشگري به موقع سالهاي گذشته ،در گزارشگري مالي به موقع شركت ها موثر بوده اند.
* **بنگی شوترو همکاران(2013)**، به بررسی رابطه بین به موقع بودن گزارش شرکت های بزرگ مالی وشرکت های غیر مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار استانبول برای سال 2009 و متغیر حسابداری و حسابرسی با استفاده از تجزیه و تحلیل های آماری مجذور کای برای هر دو صورتهای مالی حسابرسی تلفیقی و جداگانه پرداختند. نتایج نشان می دهد که، برای صورت های مالی حسابرسی شده جداگانه به موقع بودن صورتهای مالی با نسبت سود عملیاتی ،نسبتROA، نسبت جاری و نظر حسابرسی و برای صورتهای مالی حسابرسی شده تلفیقی، به موقع بودن ا صورتهای مالی با نسبت مجموع حقوق صاحبان سهام / کل دارایی و جریان وجوه نقدونسبت سود عملیاتی / هزینه بهره ارتباط دارد.

### 2-5-2 تحقیقات داخلی

* **ملکیان (1376)** ، ملکیان پژوهشی در زمینه فراگیري گزارش هاي سالانه و ویژگیهاي مالی شرکتهاي پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران انجام داد. هدف وي از این پژوهش کمک به تدوین استانداردهایی در زمینه ي گزارشگري مالی در ایران بود و نتایج حاکی از این بود که بین اندازه شرکت، فروش خالص، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام رابطه وجود دارد.
* **سرهنگي(1380)** ، در پژوهشي با عنوان "عوامل مؤثر بر به موقع بودن گزارشگري مالي ساليانه شركت ها در بازار سرمايه" به بررسي پنج عامل اندازه، سودآوري، اهرم، عمر شركت و نزديكي پايان سال مالي، به فصل شلوغي حسابرسي با به موقع بودن گزارشگري مالي پرداخت. وي در پژوهش خود به بررسي 92 شركت پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران براي دوره زماني 1374 لغايت 1378 پرداخت. نتايج پژوهش سرهنگي نشان داد كه تنها عامل سودآوري با به موقع بودن گزارشگري مالي رابطه معنادار و معكوس داشت؛ به گونه اي كه با افزايش سودآوري اطلاعات بهنگام تر مي شدند. افزون بر اين، وي بيان كرد كه 99/99درصد شركت ها داراي گزارشگري فوري و در بازه قانوني هستند.
* **اعتمادي و يارمحمدي (1382)** ، به بررسي عوامل مؤثر بر گزارشگري ميان دوره اي به موقع در شركت هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آن ها با مطالعه 40 شركت به اين نتيجه رسيدند كه اندازه شركت، سودآوري شركت، پيچيدگي عملكرد شركت، عمر شركت، تركيب سهامداران و وجود سيستم بهاي تمام شده بر بهنگام بودن اطلاعات ميان دوره اي بي تأثير بوده و تنها ميزان معاملات سهام در دوره ميان دوره اي رابطه مستقيم آماري با سرعت گزارشگري ميان دوره اي داشته است.
* **كاشاني پور و همكاران (1385)**، تحقيقي را با عنوان بررسي تحليلي رابطه بين اقلام صورت هاي مالي و مدت زمان لازم براي حسابرسي انجام دادند. براي اين منظور، تعداد 50 شركت از مجموع 638 شركت حسابرسي شده توسط سازمان حسابرسي در سالهاي 1376 تا 1383، به صورت تصادفي بعنوان نمونه تحقيق انتخاب گرديد. آزمون آماري انجام شده ،وجود همبستگي بين اقلام صورتهاي مالي با مدت زمان حسابرسي را بيان نمود . ميزان اين همبستگي بسته به نوع متغير حسابداري متفاوت بود. متغير هايي مثل" دارايي هاي جاري" و" بدهي­هاي جاري" بيشترين همبستگي را در كل دوره تحقيق با متغير وابسته تحقيق داشتند.
* **مرادي و پورحسيني(1388)** ، به بررسي رابطه بين خصوصيات مالي و غيرمالي با مدت زمان اجراي عمليات حسابرسي پرداختند. آن ها با بررسي 152 شركت براي دوره زماني سال هاي 1377 الي 1385 به اين نتيجه رسيدند كه اندازه، نسبت بدهي به حقوق صاحبان سهام، سوددهي، نوع اظهار نظر و عمر شركت با مدت زمان اجرا و تكميل عمليات حسابرسي رابطه دارند.
* **بنی­مهد و محسنی­شریف(1389)**،به بررسی کیفیت افشای اطلاعات و عوامل موثر بر آن پرداختند. این مطالعه برای 311 شرکت فعال در بورس در سال 1386 انجام و متغیرهایی نظیر اندازه شرکت، بازده دارایی­ها، اهرم مالی، ساختار مالکیت، نوع حسابرس، نوع واحد تجاری و صنعت را درنظر گرفت. یافته­های تحقیق حاکی از رابطه معنی­دار بین نوع صنعت، اندازه شرکت و میزان تاخیر در افشای اطلاعات می­باشد.
* **مهدوی و جمالیان­پور(1389)،** عوامل موثر بر سرعت گزارشگری مالی سالانه شرکتهای بورسی در دوره 1387-1378 را بررسی نمودند. آنان با استفاده از رگرسیون چند متغیره به بررسی رابطه بین اندازه شرکت، نسبت­های مالی و غیرمالی و نسبت­ سرمایه­گذاری مجدد سود جاری با سرعت گزارشگری مالی سالانه و تاریخ پایان سال مالی شرکت­ها پرداختند. نتیجه این تحقیق این بود که سرعت گزارشگری با انواع نسبت­های مالی و غیرمالی ارتباط معنی­دار داشته و شرکت­های دارای نسبت بدهی کوچکتر از سرعت بالاتری در ارائه گزارش­های سالانه برخوردار هستند.
* **اسدی و همکاران(1391)،** در اين پژوهش رابطه بين ويژگي هاي شركت و به موقع بودن گزارشگري مالي ميان دوره اي با استفاده از نمونه اي شامل 162 شركت غيرمالي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بين سالهاي 83تا 88 مورد بررسي قرار گرفته استنتايج رگرسيون نشان مي دهد كه در طول دوره پژوهش، اندازه شركت و سودآوري رابطه معکوس معناداري با فاصله زماني گزارشگري دارند؛ يعني هر چه اندازه شركت بزرگتر و سودآوري آن بيشتر باشد،گزارشگري آن به موقع تر خواهد بود. سايرمتغيرها يعني قدمت شركت، رشد، اهرم و حجم معاملات سهام رابطه معناداري با فاصله زماني گزارشگري ندارند.
* **سلیمانی و همکاران(1392**)، در اين پژوهش رابطه بین به موقع بودن گزارشگری مالی و عملکرد مالی شرکت بررسی شده است متغیروابسته پژوهش به موقع بودن گزارشگری مالی است که از طريق تفاوت زمانی بین آخرين تاريخ مجاز افشا (31/4)و تاريخ گزارش اطلاعات مالی محاسبه شده است ومتغیر مستقل پژوهش نیز عملکرد مالی است که بوسیله سه معیار بازده دارايی ROA، بازده حقوق صاحبان سهام ROEو تغییر در بازده خالص CNRاندازه گیری شده است. نتايج نشان داد به موقع بودن گزارشگری مالی و بازده دارايی ها ROA، بازده حقوق صاحبان سهام ROE مثبت و رابطه ی معناداری وجود دارد. بنابراين چنانچه شرکتها بتوانند دارايی های خود را به گونه مناسب به کارگیرند و سود بیشتری برای سهامداران ايجاد کنند گزارشات خود را به موقع ترارائه نماید.

**3-5-2 خلاصه پژوهش های خارجی و داخلی**

**جدول 1-2 پژوهش های خارجی و داخلی**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| نتیجه گیری | مدل | متغیرها | محقق | تاریخ |
| تنها نوع صنعت با زمان گزارشگري مالي داراي رابطه معني دار بوده و سه ويژگي ديگر فاقد رابطه معني داري بودند | رگرسیون خطی چند گانه | رابطه بین زمان گزارشگری و تعداد سهامداران، تعداد صفحات گزارش هاي مالي و حسابرسي ساليانه و نوع صنعت | کورتیس | 1976 |
| معاملات و مشخصه­های صنعتی ارتباط قوی­تری نسبت به ویژگی­های موردمطالعه­ی شرکت(نظیر اندازه شرکت و پیچیدگی عملیات آن) باتاخیرهای گزارشگری دارد. | تحلیل همبستگی | رابطه بین تاخیر مدت زمان گزارش مالی و معاملات سهام و نوع صنعت واندازه شرکت و پیچیدگی عملیات | گیولی و پالمن | 1982 |
| نتایج نشان میده که شرکت های با خبر خوب گزارش به موقع تری ارائه می کنند | رگرسیون خطی | رابطه بین مدت زمان گزارشگری مالی اخبار خوب وبد شرکتها | وایترد و زیمر | 1984 |
| تغییرپذیری بازده اوراق سهام همزمان با ارائه گزارش­های سود به زمانی که طول می­کشد تا شرکت­ها گزارش خود را ارائه نمایند ارتباطی ندارد | رگرسیون خطی | رابطه بین گزارش مالی به موقع و قیمت سهام نسبت به گزارش سود | چمبرز و پنمانز | 1984 |
| بين مدت زمان گزارشگري مالي و اندازه شركت و تاريخ پذيرش شركت در بورس (عمر شركت) ، رابطه معني داري وجود دارد | رگرسیون خطی | رابطه بین مدت زمان گزارش مالی و اندازه شرکت ،تاریخ پذیرش شرکت در بورس | فرست و پونال | 1994 |
| رابطه منفی معناداری میان به­موقع بودن انتشار گزارش با سودآوری، اندازه­ی شرکت و سود سهام نقدی توزیع شده و رابطه­ی بین نوع صنعت و به­موقع بودن گزارش معنی دار نبود. | تحلیل همبستگی | رابطه بین به موقع بودن انتشار گزارش مالی و سودآوری ،اندازه شرکت،سود سهام نقدی توزیع شده،نوع صنعت و نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام | عبدالله | 1996 |
| اندازه شركت، توان سودآوري و عمر شركت بازمان گزارشگري مالي ارتباط معني داري داشته اند. | رگرسیون حداقل مربعات دو مرحله ای | رابطه بین به موقع بودن واندازه شركت، توان سودآوري و عمر شرکت | انسه | 2000 |
| شركت هايي كه گزارش تعديل شده حسابرسي داشته اند، با تأخير بيشتري گزارش هاي مالي خود رامنتشر كرد ه اند. | رگرسیون خطی | رابطه بین به موقع بودن گزارش حسابرسی ونوع گزارش حسابرسی | سلطانی | 2002 |
| مدت زمان اجراي عمليات حسابرسي، با زيان، نوع اظهار نظر و نسبت بدهي به دارايي شركت رابطه مستقيم و با نوع صنعت، حسابرسان و پايان سال مالي شركت رابطه منفي داشته است. | آزمون آماری کای دواز رگرسیون حداقل مربعات مستقل و عادی | رابطه بین مدت زمان گزارش حسابرسی واندازه شركت، نوع صنعت، سود يا زيان شركت، اقلام غير مترقبه، نوع اظهار نظر حسابرسي، اندازه و ميزان تخصص موسسات حسابرسي، پايان سال مالي و نسبت بدهي به دارايي شركت | آدزرين و احمد | 2003 |
| رابطه معني دار بین متغیر ها و طولانی شده زمان گزارش حسابرسی وجود دارد. استفاده از موسسات حسابرسي بزرگ و بين المللي و پرداخت حق الزحمه اضافي به حسابرسان ، مدت زمان اجرا و تكميل عمليات حسابرسي كاهش پيدا مي كند. | تجزیه و تحلیل رگرسیون | رابطه بین بين طولاني شدن زمان ارائه گزارش حسابرسي شركتها با اندازه مؤسسه حسابرسي، حق الزحمه حسابرسي، تعداد و ماهيت بندهاي گزارش حسابرسي شركت، وجود يا عدم وجود اقلام غير متر قبه در شركت، و ميزان ابهام در گزارش حسابرسي | ليونتيس و همكاران | 2005 |
| حدود 96.98% از كل شركتهاي انتخابي صورتهاي مالي خود را ظرف مهلت مقرر به بورس ارائه داده اند . تنها 8 شركت ( 3.02% از كل شركتها مورد مطالعه) ، صورتهاي مالي خود را در مهلت مقرر ارائه نداده اند. | رگرسیون خطی | مدت زمان گزارش مالی و حسابرسی و حق الزحمه گزارش حسابرسی ،اقلام فوق العاده | هسلین | 2006 |
| نتایج نشان میدهد که شرکت هایی که توسط موسسه حسابرسی بزرگ حسابرسی شده و گزارشات مقبول ارئه داده اند سرعت گزارشگری مالی بالاتری دارند. | رگرسیون حداقل مربعات دو مرحله ای | رابطه بین سرعت گزارش مالی و نوع اظهار نظر حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی | آنساولونتيس | 2006 |
| نتايج تحقيق نشان مي دهد به جزء متغيرهاي اندازه شركت، تغيير سود خالص، رشد فروش و چهار موسسه بزرگ حسابرسي، سايرمتغيرها با مدت زمان گزارشگري مرتبط مي باشند. | تجزیه و تحلیل رگرسیون | رابطه بین به موقع بودن وتعداد اعضاهيئت مديره، مالکان اصلي، مديران مستقل، تغيير فناوري، حجم معاملات، مالکيت نهادي، نسبت بدهي به دارايي، قدمت شركت، اندازه شركت، تغيير سود خالص، رشدفروش و چهار موسسه بزرگ حسابرسي | وو و همکارانش | 2008 |
| نتايج يافته ها حاكي از آن بود كه تنها اندازه شركت، نوع صنعت، اندازه موسسه حسابرسي و پيچيدگي حسابرسي، رابطه معناداري با مدت زمان گزارشگري دارد. | همبستگی رتبهای اسپیرمن | رابطه بين مدت زمان گزارشگري با اندازه شركت، سودآوري، نوع صنعت،قدمت، اهرم، گروه پذيره نويسي، مکان استقرار شركت، حق الزحمه حسابرسي، اندازه شركت حسابرسي و پيچيدگي حسابرسي | **ماهاجان و چندر** | 2008 |
| تأخير زماني گزارشگري مالي سالانه با اهرم مالي رابطه مستقيم و با تأخير زماني در دوره قبل رابطه اي منفي دارد. | مدل رگرسیون چندگانه | رابطه بین تأخير زماني گزارشگري مالي سالانه با اهرم مالي و با تأخير زماني در دوره قبل | اوبرت | 2009 |
| نتایج نشان داد که شرکت هایی که توسط شرکت بزرگ حسابرسی ،مورد حسابرسی قرار گرفته اند گزارش به موقع تری ارائه داده اند. | رگرسیون خطی و تفاوت میانگین | رابطه بین به موقع بودن گزاش مالی واندازه موسسه حسابرسی | مک گی و یوان | 2011 |
| شركتهايي كه داراي اخبار خوب بوده اند، زودتر از شركتهاي داراي اخبار نامساعد ، صورتهاي مالي خود را منتشر نموده اند اندازه شركت، ريسك مالي بالا، خط مشي و زمان بندي مربوط به گزارشگري به موقع سالهاي گذشته ،در گزارشگري مالي به موقع شركت ها موثر بوده اند. | تحلیل همبستگی | رابطه بین به موقع بودن زمان گزارشگري مالي با اخبار خوب و بد(سود يا زيان) در مورد شركت، ريسك مالي ، اندازه و نوع صنعت شركت با | دغان و همكاران | 2012 |
| برای صورت های مالی حسابرسی شده جداگانه به موقع بودن صورتهای مالی با نسبت سود عملیاتی ،نسبتROA، نسبت جاری و نظر حسابرسی و برای صورتهای مالی حسابرسی شده تلفیقی، به موقع بودن صورتهای مالی با نسبت مجموع حقوق صاحبان سهام / کل دارایی و جریان وجوه نقدونسبت سود عملیاتی / هزینه بهره ارتباط دارد. | تجزیه و تحلیل های آماری مجذور کای | رابطه بین به موقع بودن گزارش مالی و نسبت سود عملیاتی ،نسبتROA، نسبت جاری و نظر حسابرسی، نسبت مجموع حقوق صاحبان سهام / کل دارایی و جریان وجوه نقدونسبت سود عملیاتی / هزینه بهره | بنگی شوترو همکاران | 2013 |
| تنها عامل سودآوري با به موقع بودن گزارشگري مالي رابطه معنادار و معكوس داشت سایر موارد رابطه نزولی ندارند. | تحلیل همبستگی | رابطه ی بین مدت زمان گزارشگری و اندازه شرکت،سودآوری ،اهرم و عمر شرکت | سرهنگی | 1380 |
| همبستگي بين اقلام صورتهاي مالي با مدت زمان حسابرسي وجود دارد و ميزان اين همبستگي بسته به نوع متغير حسابداري متفاوت بود | تحلیل همبستگی | اقلام صورت هاي مالي و مدت زمان لازم براي حسابرسي | کاشانی پور و همکاران | 1385 |
| نتایج تحقیق نشان می دهد تاخیر در ارائه گزارش مالی با شرکت هایی که تاریخ پایان سال مالی آنها 29 اسفند می باشد رابطه دارد. | تحلیل همبستگی | ارتباط بین تاخیر گزارش حسابرسی با اندازه شرکت ،سودآوری شرکت،ریسک شرکت،اعتبار موسسه حسابرسی | فرخ برزیده و معیری | 1385 |
| اندازه، نسبت بدهي به حقوق صاحبان سهام، سوددهي، نوع اظهار نظر و عمر شركت با مدت زمان اجرا و تكميل عمليات حسابرسي رابطه دارند | رگرسیون چندگانه | رابطه بین مدت زمان اجرا وکمیا فرایند حسابرسی و اندازه شرکت،نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام،سودهی ،نوع اظهار نظر حسابرسی،عمر شرکت | مرادی و پور حسینی | 1388 |
| سرعت گزارشگری با نسبتهای مالی و غیرمالی ارتباط معنی دار داشته و شرکت­های دارای نسبت بدهی کوچکتر از سرعت بالاتری در ارائه گزارش­های سالانه برخوردار هستند | تكنيكهاي آماري كروسكال-واليس، تجزيه و تحليل رگرسيوني و مقايسهچولگي و كشيدگي | رابطه بین سرعت گزارشگری وارزش بازار،نقدینگیِِ،مدیریت دارایی،مدیریت بدهی،سودآوری | مهدوی وجمالیان پور | 1389 |
| ویژگی اندازه شرکت و سودآوری رابطه معکوس با فاصله زمانی گزارشگری داردوسایر متغیرها شامل قدمت ،رشد،اهرم،حجم معاملات سهام شرکت رابطه معناداری با فاصله زمانی ندارد. | رگرسیون خطی چند گانه | رابطه بین فاصله زمانی گزارشگری مالی میان دوره ای و اندازه شرکت،قدمت،سودآوری،رشد،اهرم و حجم معاملات | اسدی وهمکاران | 1391 |
| به موقع بودن گزارشگری مالی و بازده دارايی ها ROA، بازده حقوق صاحبان سهام ROE مثبت و رابطه ی معناداری وجود دارد | تحلیل همبستگی و رگر سیونی | رابطه بین به موقع بودن گزارش مالی با بازده دارایی،بازده حقوق صاحبان سهام، تغییر در بازده خالص | سیمانی امیری و همکاران | 1392 |

جدول 1-2 ،خلاصه ای از پژوهش های داخلی و خارجی که با تحقیق انجام شده مرتبط می باشد ارائه می کند.

### 6-2 مدل مفهومی تحقیق

شکل 2-2مدل مفهومی تحقیق

**شناسایی شاخص های موثر بر سرعت گزارشگری مالی**

اندازه شرکت

**اهرم مالی**

**نسبت سود آوري**

**مديريت بدهي**

**مديريت دارايي**

**نسبت نقدينگي**

 **ارزش بازار**

**تعیین عامل های موثر با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی**

**رتبه بندی عامل های موثر نهایی با روش آزمون رتبه بندی فریدمن**

در شکل 2-2 مدل تحقیق تحقیق ارائه شده است که عوامل آن براساس تحقیقات گذشته تعیین شده و طبق تکنیک تحلیل عاملی و آزمون رتبه بندی فریدمن به تعیین مهم ترین عوامل و تعیین درجه اهمیت آنها پرداخته می شود.

# منابع و مآخذ

## منابع فارسی

1. اعتمادي، حسين و اكرم يارمحمدي، 1382 .،" بررسي عوامل مؤثر بر گزارشگري ميان دوره اي به موقع در شركتهاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". مجله علوم اجتماعي ,وانسانی دانشگاه شيراز ، دوره نوزدهم، شماره دوم،پیاپی 38،87-99..
2. اسماعیل پور،مجید؛راهنمایی سرمایه گذاری در بورس تجزیه وتحلیل صورت های مالی"،چاپ اول،انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی،اردیبهشت 1377.
3. اسدی ،غلامحسین ، باغومیان ، رافیک، کامرانی ،جواد،" بررسي رابطه بين ويژگي هاي شركت و به موقع بودن گزارشگري مالي ميان دوره اي "، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم ، شماره 33، بهار 1391،ص 146-119.
4. بزرگ اصل ، موسی ، حسابداری میانه صورت های مالی جلد اول،سازمان حسابرسی ،تهران،چاپ هفتم ،1388.
5. برزیده،فرخ،معیری،مرتضی،(1385)."عوامل موثر بر به موقع بودن گزارش مالی ".فصلنامه مطالعات حسابداری ،شماره 16.
6. بخشیانی ،عباس و راعی ،رضا.ارزشگذاری سهام وتحلیل بازار ،چاپ نخست ،انتشارات سازمان مدیریت صنعتی -1387
7. بنی مهد، بهمن و محسنی شریف، محسن، 1389. «بررسی عوامل موثر بر رتبه بندی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران از لحاظ کیفیت افشا و به موقع بودن، مجله حسابداری مدیریت، شماره 7، صص 63-51.
8. ثاقب تهرانی،مهدی،تدین،شبنم،مدیرت فن آوری اطلاعات ،تهران،مهربان نشر ،1384،چاپ اول ،ص 29
9. خاکی ،غلامرضا،(1388).روش تحقیق با رویکرد پایانامه نویسی،انتشارات فوژان،چاپ اول.
10. خدادادی، ولی؛ فرازمند، حسن و طباطبایی، سیده فاطمه، 1392. «تاثیر به موقع بودن و محافظه کاری بر محتوای اطلاعاتی سود»، پژوهش های تجربی حسابداری، سال سوم، صص 92-75.
11. خلیلی شورینی ،سیاوش  ، (1388).روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات یادواره کتاب، چاپ دوم
12. خواجوی، شکراله و ابراهیم ابراهیمی. (1387). *حسابداری میانه 1*، چاپ اول. تهران: انتشارات ترمه
13. دستگیر ، محسن . مدیریت مالی ، چاپ اول . انتشارات نوپردازان ،زمستان 1381
14. دلاور،علی(1387)،روش های آماری در علوم تربیتی و روانشناسی ،انتشارات دانشگاه پیام نور چاپ اول
15. ریاحی بلکویی ،احمد،. 1381،"**تئوری های حسابداری** ".ترجمه علی پارسایان،دفترپژوهش های فرهنگی،چاپ اول.
16. سرهنگي، همت ،1380."بررسي عوامل مؤثر بربه موقع بودن گزارشگري مالي ساليانه شركت ها دربازارهاي سرمايه بورس اوراق بهادار تهران") طي سالهای 1378-1374) ، پايان نامه دوره كارشناسي ارشدحسابداري، دانشگاه تربيت مدرس تهران.
17. سلیمانی امیری،غلامرضا،رحیمی تمرین،عاطفه،(1392). "رابطه ی بین به موقع بودن گزارشگری مالی و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"،پژوهش حسابداری و تجربی،سال سوم شماره 11،صص 21-35.
18. سید جعفر ،سجادی ، 1385.بورس،انتشارات دانشگاه علم وصنعت،چاپ اول
19. صحاف رضوی ،سید حسین(مترجم)؛مدیریت دارایی و بدهی ،انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی چاپ دوم،1385.
20. فرساد،علیرضا،تیرانداز،حامد،1390."ویژگی های کیفی اطلاعات مالی و نقش آن در تصمصیم گیری مدیران".مجله بانک و اقتصاد ،شماره 144.
21. علی مدد،مصطفی ،ملک آرایی،نظام الدین،1374."مبانی وروش های عمومی حسابداری ،مرکز تحقیقات حسابداری و حسابرسی ،سازمان حسابرسی.
22. غلامحسینی،اسد،کامرانی ،جواد،باغمبان،رافبک،"بررسی رابطه بین ویژگی های شرکت و به موقع بودن گزارش های مالی میان دوره ای "،فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی،سال دهم،شماره 33،بهار 1391،صص 146-119.
23. غلامزاده ،احمد،فتحی ،بهروز،1377.ابزار بهبود سیستم اطلاعات مدیریت لجستیک،ناشر دانشگاه امام حسین (ع)،چاپ اول،ص39.
24. كاشاني، پور محمد، فخاري حسين، حمزه علي مراد علي،1385." سودمندي اقلام صورت هاي مالي در پيش بيني زمان لازم براي حسابرسي " بررسي هاي حسابداري و حسابرسي، شماره 44،ص ص 103-85، تابستان
25. کثیری ،حسین،1378.دیدگاه های اقتصادی در مفاهیم گزارشگری مالی ایران،فلصنامه حسابرس ،ص4-5
26. کمیته تدوین استاندارد های حسابداری ، 1390.استانداری شماره 1؛نحوه ارائه صورت های مالی ،تهران ،سازمان حسابرسی ،چاپ هفتم.
27. کمیته تدوین استاندارد حسابداری 1390."مفاهیم نظری حسابداری و گزارشگری مالی"،نشریه 113،تهران،سازمان حسابرسی ،چاپ هفتم.
28. مرادي، مهدي و سيد مهدي پورحسيني ، 1388. " بررسي رابطه بين برخي ويژگی های مالي وغيرمالي و مدت زمان اجراي تكميل عمليات حسابرسي در شركت هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه تحقيقات حسابداري، ش اول، بهار، 168-186.
29. مریدی پور ،حمید؛موسوی،زهرا؛داراش؛فرشته،"نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام به عنونان معیاری برای ارزشگذاری سهام"مجله حسابداری و مدیریت مالی ،ز مستان 1388 .
30. مهدوی ،غلامحسین وجمالی پور،مظفر،1389."بررسی عوامل موثر بر سرعت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"**مجله پژوهش هایی حسابداری مالی** ،سال دوم ،چاپ چهارم،شماره پیاپی6،ص 89-108.
31. ملکیان، اسفندیار، 1376،"جامعیت گزار شهاي سالانه و ویژگیهاي مالی شرکت هاي پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران"، رساله دکتري، دانشکده علوم اداري ومدیریت وبازرگانی دانشگاه تهران.
32. نيكخواه آزاد علي، 1379 ."بيانيه مفاهيم بنيادي حسابرسي "چاپ دوم ، مركز تحقيقات تخصصي حسابداري و حسابرسي سازمان حسابرسي
33. نوروش، ايرج ،1377."بررسي رابطه بين كيفيت گزارشگري مالي و تعداد حسابداران آموزش ديده در واحدهاي تجاري پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله بررسی های حسابداري و حسابرسی ، ش 24و25 ، تابستان و پاييز ، 33-8
34. همتی ،حسن،1385.حسابداری میانه 1،تهران،انتشارات ترمه،چاپ سوم ،ص 5

منابع لاتین

1. American Accounting Association (1957) *Accounting and Reporting Standards for Financial Statements andPreceding Statements and Spplements,* Sarasota: AAA.
2. Abdulla، J. M. A. (1996) ، "Timeliness of Bahraini Annual Report". Advances in International Accounting. 9، 73-88.
3. Adzrin, R. and Ahmad, R. (2003)***"****Audit Delay and Timeliness of Corporate Reporting Malaysian Evidence****"***university of Technology, Malaysian.
4. Al-Ajmi, J. (2008). Audit and Reporting Delays: Evidence from an Emerging Market. Advances in Accounting, 217-226.
5. Amihud, Yako & Mendelson, Haim (1986). *Asset Pricing and the Bid-Ask Spread*. Journal of Financial Economics L7. PP 223-249.
6. Ansah, S. O. (2000),"*Timliness of corporate financial reporting in emerging capital markets: empirical evidence from the Zimbabwe stock Exchange****"***. Accounting and Business Research, 3. (3): 241-254.
7. Ansah, Stephen Owusu and Leventis Stergios (2006). "Timeliness of corporate Annual Financial Reporting in Greece", *European Accounting Review*, Vol.15, pp. 273 – 287.
8. Ansah -Owusu, S. (2000). Timeliness of Corporate Financial Reporting in Emerging Capital. Forthcoming in Accounting & Business Research, 30, 241-254.
9. Aubert, François (2009). "Determinants of Corporate Financial Reporting lag: The French empirical evidence", *Journal of Accounting and Taxation*, Vol.1 (3), pp. 053-060.
10. Bengi, vuran.Burcu, Adilglu (2013).’’Is Timeliness Corporate Financial Reporting Related to Accounting Variable? Evidence from Istanbul Stock Exchange’’. International Journal of Business and Social Science، Vol. 4 No. 6.
11. Biddle, GaryC. Gilles, Hilary and Rodrigo S. Verdi (2009). "How does financial reporting quality relate to? investment efficiency?", *Journal of Accounting and Economics*, doi:10.1016/j.jacceco.2009.09.001
12. Chambers، A. and Penman، S. (1984). Timeliness of Reporting Standards، management Accounting، London.
13. Carslaw,Charles,&,Kaplan,Steven’’An Examination of Audit Delay : Further Evidence from NewZealand’’ Accounting and Business Researsh Vol.22.No.85(1991).
14. Courtis، J.K، (1976) ،Relationships between timeliness in corporate reporting and corporate attributes، Accounting and Business Research، 6(25).
15. Dogan, Mustafa; Coskun, Ender and Orhan Çelik (2012). "Is Timing of Financial Reporting Related to Firm Performance? An Examination on Ise Listed Companies". International Research Journal of Finance and Economics, Issue 12, 221-233.
16. El-Bannany, M. (2008). Factors Affecting Audit Report Lag In Banks: The Egyptian Case. Corporate Ownership & Control, 5, 54-61.
17. Foster, George (1986). "Financial statements Analysis", 2nd Edition, New Jersy, Engelwood Cliffs: Prentic Hall.
18. Frost, C. A. and Pownall G. (1994)" *Accounting disclosure practice in the United State and the United Kingdom****."*** Journal of Accounting Research, 32, (1): 75- 85.
19. Givoly, D., Palmon, D., (1982),"*Timeliness of Annual Earnings Announcements. Some Empirical Evidence*", the Accounting Review, 57(3): 486-508.
20. Haslin J., (2006)*"The Determinations of Audit Reporting Lag: Evidence from Bursa Malaysia"*.Faculty of Accountancy, UITM.
21. Hendrickson, E. S. and M. F. Van Breda. (1992). Accounting Theory. 5th Edition, Southern Methodist University Press.
22. Ibrahim Eldomiary, Tarek.Associate Professor of publissing, Inc, 2009.28.Finance Department – Euro Journal.
23. Ismail, K., & Chandler, R. (2004). The Timeliness of Quarterly Financial Reports of Companies inMalaysia. *Asizn Review of Accounting, 12*, 1-18.
24. Joshi, A. (2005). Timeliness in Corporate Reporting of Indian Public Financial Institutions (IPFIs). Udyog Pragati, 29, 1-11.
25. Kenedy.D.T, Joseph gras, Y, Leauby.AB, Tavana.M, (1995).’’An Lnvestigation of the Relative Importance Attached to the Qualitative characteristics in the SFAC2 Hicrarchy’’, Accounting Enquiries.vo14.
26. Knechel, W. R.and J.L.Payne, (2001) "*Additional evidence audit report lag****."*** Auditing: A Journal of Practice and Theory, 20(1):137-146.
27. Kross، W. and Schroeder، D.A ، (1984) ، an empirical investigation of the effect of quarterly earnings announcement on stock returns، Journal of Accounting Research، 22(1).
28. Leventis، S. ،& Weetman، P. (2005). Timeliness of financial reporting: applicability of disclosure theories in an emerging capital market. Accounting and Business Research، 34(1) ، 43-56.
29. Lev, B. (1974). "Financial Statement Analysis: A New Approach", 1st Edition, New Jersy, and Engelwood Cliffs: Prentic Hall.
30. Mahajan, P., & Chander, S. (2008). Determinants of Timeliness of Corporate Disclosure of Selected Companies in India. The Icfai University Journal of Accounting Research, 7.
31. McGee, R., & Yuan, X. (2011). Corporate Governance and the Timeliness of Financial Reporting: A ComparativeStudy of the People's Republic of China, the USA and the European Union. *Journal of Asia BusinessStudies, 6* (1).
32. Reilly, f.k. &k.c.Brown.2004, Investement Analysis and portfolio Management, 6th Edition, Harcourt Collage Publisgers.
33. Soltani, Bahram (2002). "Timeliness of corporate and audit reports: Some empirical evidence in the French context", *The International Journal of Accounting*, Vol.37, 215–246.
34. Whitterd، G. and Zimmer، I. (1984)." Timeliness of Financial Reporting and Distress ،"Accounting Review، 59(2) ، 287-295.
35. Wolk, H. L., Dodd, J. L. And M.G. Tearny (2004). "Accounting Theory: Conceptual Issues in a Political and Economic Environment", South-Western.
36. Wu, C.-H., Wu, C.-S., & Liu, V. W. (2008). The Release Timing of Annual Reports and Board Characteristics. The International Journal of Business and Finance Research, 2 (1).

**منابع اینترنتی**

www.ssrn.com

www.noormags.com

www.rdis.ir

www.ensani.ir

1. Foster, George [↑](#footnote-ref-1)
2. Ismail, & Chandler [↑](#footnote-ref-2)
3. kenedy [↑](#footnote-ref-3)
4. Hendrickson [↑](#footnote-ref-4)
5. Relevancy [↑](#footnote-ref-5)
6. Timeliness [↑](#footnote-ref-6)
7. Reliability [↑](#footnote-ref-7)
8. Comparable [↑](#footnote-ref-8)
9. Disclosure [↑](#footnote-ref-9)
10. Intelligibility [↑](#footnote-ref-10)
11. importance [↑](#footnote-ref-11)
12. Belkaoui [↑](#footnote-ref-12)
13. Biddle [↑](#footnote-ref-13)
14. Market value of equity [↑](#footnote-ref-14)
15. Ibrahim Tarek [↑](#footnote-ref-15)
16. Liquidity [↑](#footnote-ref-16)
17. Reilly.&k.cBrown [↑](#footnote-ref-17)
18. . Cost of Capital [↑](#footnote-ref-18)
19. . Amihud Mendelson [↑](#footnote-ref-19)
20. . Acharya, Pedersen [↑](#footnote-ref-20)
21. . liquid markets [↑](#footnote-ref-21)
22. . underwriters [↑](#footnote-ref-22)
23. Debt Management [↑](#footnote-ref-23)
24. Asset Management [↑](#footnote-ref-24)
25. Profitability [↑](#footnote-ref-25)
26. Frost and Pownall [↑](#footnote-ref-26)
27. -Knechel and Payne [↑](#footnote-ref-27)
28. Financial Levrage [↑](#footnote-ref-28)
29. Soltani [↑](#footnote-ref-29)
30. Size of enterprises [↑](#footnote-ref-30)